

# مشرح مذاکرات شورای نگهبان

عنوان

جلسه مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۴ شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۷۰۰۲۸

تاریخ: ۱۳۹۷/۹/۱۰



پژوهشکده شورای نگهبان

## شناسنامه

عنوان:

**مشروح مذاکرات شورای نگهبان  
جلسه مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۴ شورای نگهبان**

ویراستار و مستندساز:

**سید محسن طاهری**

ناظر علمی:

**دکتر محمد بهادری جهرمی**

**گروه تدوین نظرات و مبانی آراء شورای نگهبان**

شماره مسلسل: ۱۳۹۷۰۰۲۸

تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۹/۱۰

پژوهشکده شورای نگهبان



## جلسه مورخ ۱۴/۲/۱۳۶۱ شورای نگهبان

### فهرست مطالب

۲	.....مقدمه
۳	..... طرح قانونی الحاق دادگاه‌های انقلاب به دادگستری جمهوری اسلامی ایران

## مقدمه

بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی به وسیله شورای نگهبان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت مغایرت برای تجدیدنظر به مجلس بازگردانده می‌شود. همچنین به موجب اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس یا هیئت وزیران واگذار کند که در این صورت، این اساسنامه‌ها نیز باید به لحاظ عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به تأیید شورای نگهبان برسند. علاوه بر این، به موجب اصل (۴) قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. تفسیر قانون اساسی نیز به موجب اصل (۹۸) قانون اساسی، بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است.

در راستای اجرای این اصول، کلیه مصوبات مجلس، اساسنامه‌ی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و استفساریه‌های مربوط به اصول قانون اساسی در جلسات شورای نگهبان مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفته و سرانجام در قالب نظریه شورای نگهبان به مراجع مربوطه اعلام می‌شود. بدین‌سان، مشروح مذاکرات جلسات شورای نگهبان به جهت محتوای علمی قابل استفاده‌ی آن برای آحاد علاقه‌مندان به این مباحث، به ویژه پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با عنایت به تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت انتشار مشروح مذاکرات شورای نگهبان، گروه تدوین نظرات و مبانی آرای شورای نگهبان، به‌عنوان یکی از شرح وظایف خویش در پژوهشکده شورای نگهبان، آماده‌سازی متون مذاکرات جلسات شورای نگهبان برای انتشار عمومی را در دستور کار دارد. این مهم، در چند مرحله به شرح زیر انجام می‌پذیرد: پس از پیاده‌سازی فایل‌های صوتی جلسات شورای نگهبان، این متون در اختیار کارشناسان گروه قرار می‌گیرد تا از لحاظ فنی و ادبی ویرایش شده و در صورت لزوم، اظهارات اعضای شورا مستندسازی شود. سپس متون ویرایش و مستندسازی شده از لحاظ صحت، اتقان و انطباق با محتوای متون اولیه و همچنین از جهت ویرایشی، مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در نهایت، متون بازبینی شده بار دیگر از جهات مذکور توسط ناظران علمی پروژه، به طور دقیق، از جهت شکلی و محتوایی بررسی می‌شود و سپس منتشر می‌گردد.

پژوهشکده شورای نگهبان امیدوار است با تولید و عرضه‌ی این مجموعه، علاوه بر حرکت در جهت تحقق بخشی از منویات مقام معظم رهبری، خواسته‌ی جامعه‌ی علمی کشور و همچنین مراکز سیاست‌گذاری، تقنینی و اجرایی کشور را پاسخ گفته باشد. مسلماً انتشار و عرضه‌ی چنین آثاری می‌تواند ثمره‌ی بیش از سی سال مجاهدت و تلاش شورای نگهبان در پاسداری از شرع و قانون اساسی را در اختیار کلیه علاقه‌مندان، به ویژه محافل علمی و پژوهشی، اعم از دانشگاهی و حوزوی قرار دهد و به غنی‌تر شدن هر چه بیشتر مباحث فقهی و حقوقی در کشور کمک کند.

## طرح قانونی الحاق دادگاه‌های انقلاب به دادگستری جمهوری اسلامی ایران

مصوب ۱۳۶۰/۳/۲۶

آقای صانعی: ...<sup>(۱)</sup> یک سلسله از قوانین از قبل بوده و اجرا می‌شده است. شورای

۱. «طرح قانونی الحاق دادگاه‌های انقلاب به دادگستری جمهوری اسلامی ایران» در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و مطابق با روند پیش‌بینی‌شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، برای رسیدگی و اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از نخستین بررسی، ماده‌ی (۲) این طرح را که قضات دادگاه‌های انقلاب را موظف می‌کرد «در صورت نبودن قانون مصوب شورای انقلاب یا مجلس شورای اسلامی، طبق فتاوی امام (مد ظله) یا منابع معتبر دیگر اسلامی که از جانب شورای عالی قضایی ابلاغ می‌گردد، عمل نمایند، مغایر اصل (۱۶۷) قانون اساسی» تشخیص داد. پس از اظهار نظر شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی با اصلاح طرح، به دادگاه‌های انقلاب اسلامی اجازه داد «در مواردی که قانون مدون وجود نداشته باشد، تا تدوین قوانین جزایی، مطابق کتب قصاص و دیات و حدود تحریرالوسیله امام خمینی عمل نموده و حکم قضیه را صادر نمایند». در این اصلاحیه همچنین شورای عالی قضایی موظف شد حداکثر تا شش ماه پس از تصویب این طرح قانونی، لوائح مورد لزوم دادگاه‌های انقلاب را به مجلس شورای اسلامی برای تصویب ارائه کند. شورای نگهبان در بررسی این اصلاحیه، با «نظر به اینکه کتاب تحریرالوسیله به زبان عربی است و طبق اصل (۱۵) قانون اساسی زبان رسمی کشور فارسی است و متون رسمی باید به زبان فارسی باشند»، آن را مغایر قانون اساسی برشمرد و ذیل تبصره‌ی (۴) مصوبه را نیز که «پس از برشمردن اعمال ضدانقلاب و آنها را در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار دادن»، مجازات مشخصی برای اعمال مزبور تعیین نکرده و به قانون خاصی هم ارجاع نداده و صرفاً مقرر کرده بود «حکم مقتضی طبق احکام اسلام صادر می‌شود»، مغایر اصل (۳۶) قانون اساسی تشخیص داد. مجلس شورای اسلامی در اصلاحیه‌ی بعدی طرح، ترجمه‌ی فارسی تحریرالوسیله را مبنای صدور حکم در جرایم مربوط به حدود و قصاص و دیات قرار داد، ولی شورای نگهبان معتقد بود «چون طبق ماده، تحریرالوسیله بالخصوص قانونیت پیدا می‌کند، باید طبق اصل (۱۵) ترجمه فارسی آن متن قانونی باشد و ترجمه آن تصویب شده باشد و با توجه به اینکه تحریرالوسیله ترجمه نشده و به تصویب نرسیده، اشکال مغایرت با قانون اساسی به حال خود باقی است و باید مرتفع شود و عمل بدان در قانون صریحاً الزامی شود». مجلس شورای اسلامی سرانجام در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۳۱ ماده‌ی مربوط به تعیین تحریرالوسیله به‌عنوان مبنای صدور حکم در برخی موارد را از طرح یادشده حذف کرد، اما این تغییر نیز نظر شورای نگهبان را تأمین نکرد. این شورا با این استدلال که «در ماده یک این طرح قید شده که دادرها و دادگاه‌های انقلاب به‌عنوان بخشی از دادگستری جمهوری اسلامی ایران باید طبق مصوبه مورخ ۱۳۵۸/۳/۲۷ شورای انقلاب عمل نمایند و در آن مصوبه شرایطی منظور شده که بخشی از آنها فعلاً غیرقابل اجرا است و پاره‌ای از آنها در برخی موارد موجب توقف حکم قضات شرع خواهد شد و به‌علاوه با حذف ماده (۲) قبلی، مأخذ قانونی مشخص که مورد

انقلاب هم که آمده، آن قوانین را به هم نزده است. وقتی شورای انقلاب برای دادگاه انقلاب آیین‌نامه نوشت، جرم‌های خاصی را در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار داد. [آنها] لابد مصلحت‌اندیشی کرده‌اند، وگرنه شورای انقلاب اولی<sup>۱</sup> بود به اینکه بگوید دادگستری‌ها هم بر حسب موازین شرع عمل کنند. [اما] دیدند [که] از نظر اجرا موافق با مصلحت نیست که کل وضع دادگستری‌ها را به هم بزنند. بنابراین اگر ما هم این احتمال این معنا را دادیم و یا یقین به این معنا پیدا کردیم که به هم زدن [وضع موجود] مفسده دارد یا قاضی [کافی] نداریم، بدبختی به وجود می‌آید، [باید اجتناب کنیم]. آنچه [ما] در اصل (۴) [قانون اساسی] داریم، مطابقت با موازین اسلام است. یکی از موازین اسلام این است که حکومت در اجرا می‌تواند در آن تصرف کند. [همان‌طور] که شما در بعضی از مواقع در باب اهمّ و مهم تصرف می‌کنید. مرد اجنبی دست زنی را که در دریا افتاده است، می‌گیرد و او را بیرون می‌آورد. نه اینکه قانون بگوید جایز است مرد اجنبی دست زن مسلمّه را بگیرد؛ بلکه در مقام اجرا، حکم‌الله این‌گونه شده است. حکومت فقط با ولایت فقیه باید دخالت کند و شاهد زنده‌اش هم ربا و بهره است؛ ولو اینکه شما فردا اعلام کنید که ای ملت مسلمان ایران، از این به بعد شما دیگر حق ندارید بهره و ربا بدهید. می‌توانید چنین کاری را بکنید[؟] اینکه آقایان می‌فرمایند «موازین اسلام»، برای من صد در صد روشن نیست که [این مصوبه] «مخالف موازین اسلام» باشد. چون با این [توصیف]، احتمال خطر می‌دهم و دو نفر از اعضای شورای عالی قضایی هم این خطر را احساس می‌کنند. من بالضروره احساس خطر می‌کنم.

→

استاد دادگاه‌های انقلاب قرار گیرد، تعیین نشده است»، مصوبه را «مغایر موازین شرع و قانون اساسی» دانست.

بدین ترتیب «طرح قانونی الحاق دادگاه‌های انقلاب به دادگستری جمهوری اسلامی ایران» پس از چهار مرحله رد و بدل شدن میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، نظر این شورا را تأمین نکرد و از دستور کار مجلس خارج شد. در نهایت هم پس از تصویب «قانون حدود صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های انقلاب» در تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۱، «طرح قانونی الحاق دادگاه‌های انقلاب ...» موضوعیت خود را از دست داد. آنچه از مذاکرات شورای نگهبان در مراحل نخست بررسی طرح در دسترس بوده، در کتاب مشروح مذاکرات شورای نگهبان دوره اول - سال ۱۳۶۰ منتشر شده است و آنچه اکنون از نظر خوانندگان می‌گذرد، مذاکرات مربوط به دومین جلسه از دو جلسه‌ی شورای نگهبان در آخرین مرحله‌ی بررسی مصوبه است.

**آقای صافی گلپایگانی:** این مفاسدی که شما می‌فرمایید که قاضی نداریم و ...، [در مقام اجرا است. شما باید مثلاً ویژگی‌های] قاضی را بگویید و بعد آن کسی که می‌خواهد [قانون را] اجرا کند، می‌گوید من چنین قاضی‌ای ندارم. در این صورت [اجرای] قانون اسلام را دست یک آدمی می‌دهند که شرایط کمتری دارد؛ مثل دلیل انسداد.<sup>(۱)</sup> ما که نمی‌توانیم قانون خلاف شرع تصویب کنیم. [ما فقط می‌گوییم که] این قاضی باید قانون اسلام را اجرا کند. نکته‌ی دیگر اینکه وقتی قانون اساسی [در اصل (۱۶۷)] می‌گوید: قاضی موظف است حکم را در قوانین مدونه بیابد، می‌خواهد بگوید که این کار وظیفه‌ی او است، نه وظیفه‌ی کس دیگر.

**آقای صانعی:** این خلاف آن چیزی است که شما در هیئت وزیران می‌فرمایید. پس در هیئت وزیران هم که وظیفه‌ی وزرا را تعیین می‌کنند، وزرا می‌توانند غیر از آن [وظایفشان هم] کارهای دیگری بکنند!

**آقای صافی گلپایگانی:** نه، آن [مسئله] غیر از این است. مناسبت حکم و موضوع مطرح است. در هر کدام یک چیزی می‌گوییم.

**آقای صانعی:** آن هم در ذهن من همین‌طور است.

**آقای مهدی هادوی:** لفظ ماده‌ی (۱۲) [آیین‌نامه‌ی دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب] مصوب شورای انقلاب این است: «مجازات‌ها طبق حدود شرع اسلام و شامل اعدام، حبس و تبعید و ضبط اموالی که از راه غیرمشروع به دست آورده، پس از تسویه‌ی دیون، خواهد بود.» [در مصوبه‌ی مجلس]، تبصره‌ای که بند (۶) را به ماده‌ی (۲) اضافه کرده است، می‌گوید: «رسیدگی به جرایم مربوط به حدود، قصاص، دیات، مشروبات الکلی و مواد مخدر در صلاحیت دادرها و دادگاه‌های انقلاب است.» مجازات‌هایی که در صلاحیت محاکم انقلاب گذاشته‌اند، [باید] همان‌هایی باشد که در ماده‌ی (۱۲) [آیین‌نامه]

۱. برخی از اصولیان بر این باورند که در زمان غیبت معصوم، راه دست‌یابی به علم (قطع و یقین) یا ظنّ خاص به احکام شرعی فرعی بسته است. آنان دلیلی اقامه می‌کنند که به دلیل انسداد معروف است و نتیجه‌ی آن وجوب عمل به هر ظنّی است، مشروط بر اینکه دلیل قطعی بر عدم جواز عمل به آن ظنّ نداشته باشیم. (فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۷۲۶-۷۲۷) در اینجا مقصود گوینده این بوده است که همان‌طور که بر اساس دلیل انسداد، در جایی که دست‌یابی به قطع و یقین ممکن نیست، می‌توانیم به ظنّ مطلق - که در مرتبه‌ای پایین‌تر از علم قرار می‌گیرد - عمل کنیم، در صورت نبود قاضی واجد شرایط هم می‌توان کار را به کسی سپرد که برخی از شرایط را ندارد.

ذکر شده. مجازات‌های ماده‌ی (۱۲) عبارت است از: اعدام، حبس و تبعید. یعنی «قصاص» اصلاً در [میان] آنها نیست. یعنی اصلاً کسی را به‌موجب این یا با تلفیق یا تغییر شکل اینها نمی‌توانند قصاص کنند.

**آقای صانعی:** «حدود» چطور، طبق ماده‌ی (۱۲)؟

**آقای مهدی هادوی:** [در] آنجا حدود به معنای ضوابط است.

**آقای مهدوی کنی:** «مجازات‌ها طبق حدود شرع اسلام و شامل اعدام، حبس، تبعید و ضبط اموالی است که از راه غیرمشروع به دست آمده است.»

**آقای صانعی:** اگر این‌طور است، حدود را [در بر] نمی‌گیرد.

**آقای مهدی هادوی:** حالا من حدود را با شبهه می‌گویم. می‌خواهم بگویم که اگر بر فرض همه را هم قبول کنیم، اصلاً قابل اجرا نیست. به‌موجب این قانون، غیر از این چهار مجازات را نمی‌شود اعمال کرد؛ در حالی که مجازات قصاص و دیات غیر از اینها است.

**آقای محسن هادوی:** حدش هم معین نیست.

**آقای رضوانی:** ما باید سه اصل از اصول قانون اساسی را با هم بررسی کنیم. یکی [بند (۴) اصل (۱۵۶) است] که وظیفه‌ی قوه‌ی قضائیه [را] اجرای حدود و مقرراتِ مدون جزایی [می‌داند]، که به‌عقیده‌ی من این مَعْقُود<sup>(۱)</sup> است؛ به‌خاطر اینکه در جای دیگر نگفته اجرای مقرراتِ غیرمدون وظیفه‌ی چه کسی است. اصلاً مقررات غیرمدون اجرا نمی‌شود. هیچ دستگاهی نمی‌تواند مقررات غیرمدون را اجرا کند. بعد هم در اصل (۳۶) قانون اساسی می‌گوید: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به‌موجب قانون باشد.» نتیجه‌ی اینها این می‌شود که اگر یک کسی مرتکب جرم شرعی مسلمی شد که در مجازاتش هیچ اختلافی بین فقها نیست، ولی فعلاً قانون مدون ندارد، پس فردا هم که قانون را وضع کنند، نمی‌شود او را مجازات کرد؛ برای اینکه شما می‌گویید هیچ فعل یا ترک فعلی را نمی‌شود به‌موجب قانونی که بعد از آن وضع می‌شود، مجازات کرد.<sup>(۲)</sup>

**آقای صانعی:** روی آن اصل بحثی نیست؛ بلکه روی اصل (۳۶) بحث هست که درباره‌ی قوه قضائیه است.

۱. قابل گذشت.

۲. اصل (۱۶۹) قانون اساسی: «هیچ فعلی یا ترک فعلی به‌استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است، جرم محسوب نمی‌شود.»



**آقای صافی گلپایگانی:** شما هر دو را به هم ربط دادید.

**آقای رضوانی:** وظیفه‌ی قوه‌ی قضائیه کشف جرم، تعقیب مجازات، تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام است.<sup>(۱)</sup> اگر چنانچه مقررات مسلمی در شرع باشد - یعنی وجود داشته باشد، نه اینکه مورد اختلاف باشد - ولیکن مدون نباشد، این اصل دارد می‌گوید که نباید آنها را اجرا کرد. این خلاف ...

**آقای صانعی:** با چه چیزی مخالف است؟ خلاف اسلام است یا خلاف موازین است؟  
**آقای رضوانی:** خلاف اسلام است.

**آقای صانعی:** حکومت مصلحت ندانسته [= دانسته] و شورای انقلاب [تصویب کرده است].  
**آقای رضوانی:** کدام حکومت؟ ما قانون اساسی داریم، نه حکومت. شما مفاد قانون اساسی را دارید؛ چه کار به حکومت دارید؟!

**آقای صالحی:** قانون اساسی می‌گوید [که این کار را] نکنید.

**آقای رضوانی:** قانون اساسی اگر بگوید نکنید، اطلاقش برخلاف اصل (۴) است.

**آقای صالحی:** شما که خودتان قبول ندارید.

**آقای صافی گلپایگانی:** آقای صانعی، مملکت باید بر اساس قانون اساسی [پیش] برود یا نه؟

**آقای صانعی:** مجازات‌ها عمل می‌شود تا ...

**آقای صافی گلپایگانی:** نه، جواب بدهید!

**آقای صانعی:** به‌حسب مجازات‌های سابق عمل می‌شود.

**آقای صافی گلپایگانی:** عجب، کجا است؟! قانون اساسی، احکام خدا را زنده نمی‌کند؛ احکام مرده را احیا کرده است. شما شورای انقلاب را قبول ندارید؟ اگر قبول دارید، پس این قانون شورای انقلاب را هم بگویید درست است.

۱. اصل (۱۵۶) قانون اساسی: «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد نظملات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه، که قانون معین می‌کند.

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین.

۴- کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.

۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.»

**آقای محسن هادوی:** ما الآن می‌گوییم درست نیست. این «الآن» درست نیست.  
**آقای صافی کلبایکانی:** پس بگویید این الآن در همین جا عطف به آن [= قانون شورای انقلاب] کرده است.

**آقای صانعی:** این نمی‌تواند عطف کند.

**آقای مهرپور:** واقعاً برای همه مورد تردید شده است؛ یعنی هیچ‌کدام از آقایان نمی‌توانند نظر صریحی ابراز کنند. ولی یک مقدار که اشکالات [مطرح] می‌شود، صریحاً می‌گویند که مخالف قانون اساسی است. با توجه به مطالبی که آقای رضوانی فرمودند، مقداری مورد شک و تردید است. مقداری هم به‌خاطر مسائل عملی آن است. همه حتی خود آقایانی که در شورای انقلاب بوده‌اند، می‌گویند که اگر مشخص نباشد و همین‌طور حدود، قصاص و غیره را به حکام شرع واگذار کنیم، مشکلاتی از این قبیل که در یک جا اعدام و در جای دیگر آزاد می‌کنند - و آقای هادوی هم گفت - پیش می‌آید. من از این جهت می‌خواهم بگویم که گرچه خیلی‌ها بد عمل کرده‌اند، ولی شما یک مورد نشان بدهید که حاکم شرعی در یک موضوع دو حکم مختلف داده باشد؛ مثلاً در دو جا زنا شده که یکی را هشتاد ضربه و دیگری را بیست ضربه شلاق زده یا آزاد کرده است. یا نشان بدهید که در دو مورد زنای به‌عنف - که مجازاتش اعدام است و از نظر قضایی ثابت شده، اما یکی را شلاق زده و برای دیگری حکم اعدام صادر کرده باشد.

**آقای محسن هادوی:** آقای صافی! بگویید راجع به قانون اساسی صحبت بکنند.

**آقای مهرپور:** نه، می‌دانم که خلاف عمل شده. من می‌خواهم بگویم که اشکال اینجا نیست. اشکال در تشخیص است. مثلاً این قاضی سر در نمی‌آورد، یعنی نمی‌تواند دلیل را جمع کند و بگوید که این عنف است یا غیرعنف؛ وگرنه قصاص و دیات و حدود، مجازات‌های مشخصی هستند. البته نسبت به تعزیرات ممکن است تفاوت‌هایی داشته باشد. اگر قاضی‌ای باشد که بتواند درست دادرسی کند، هیچ اشکالی پیش نمی‌آید. در مورد مجازات‌هایی که از دو تا پانزده سال حبس تعیین شده، یکی در موارد مشابه از تخفیف هم استفاده می‌کند و شش ماه حبس می‌دهد و دیگری ده سال حبس می‌دهد؛ چرا این قدر اختلاف هست؟! در مورد مواد مخدر، یک نفر دو کیلو تریاک داشته، او را به شش ماه یا یک سال حبس محکوم کرده‌اند و دیگری را که نیم کیلو تریاک داشته،

به پنج سال حبس محکوم کرده‌اند! بد عمل کردن در این موارد ممکن است یک مقدار به دلیل جهات خارجی باشد و یک مقدار هم به دلیل نحوه‌ی تشخیص. مثلاً قاضی خوبی نیست، وارد نیست دادرسی درست بکند. ولی حدودش مشخص است. آقا، شما [که] می‌گویید حدود اسلام، این مدون است. حالا اصلیت این برای من مورد تردید است؛ ولی اگر این معنا را در نظر بگیریم، حدود اسلام مدون است و سالیان سال است که همه دارند می‌گویند که حدّ زنا این است و اگر سه بار هم تازیانه خوردی تو را اعدام می‌کنند.

**یکی از اعضا:** زنا نیست.

**آقای مهرپور:** زنا نیست. حالا گفته می‌شود. لواط است و غیره. جوری نیست که مشخص و معلوم نباشد. اشکال بر سر این است که شما می‌گویید روزنامه نوشت که [برای مثال] در آذربایجان غربی فلان کس به جرم لواط اعدام شد، در فلان جا دادگاه انقلاب به جرم لواط صد تازیانه زد. این می‌گوید که شما در موارد مشابه [یک‌جور عمل نکرده‌اید]. این یا ثابت نشده و باید پرونده را دید؛ یا اگر هم ثابت شده، قاضی، قاضی‌ای نبوده که بتواند درست عمل کند.

**آقای آراد:** بنده در ماده‌ی یک پیشنهاد کفایت مذاکرات می‌کنم.

**آقای صالحی:** [من] چیزی به نظرم رسیده که خودم هم نمی‌توانم روی آن [پافشاری کنم]. بند (۴) اصل (۱۵۶) قانون اساسی [در بیان وظایف قوه‌ی قضائیه] می‌گوید: «کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.» این احتمال هست که در قانون اساسی، جرم غیر از گناهیانی باشد که باید به‌خاطر آنها حد جاری شود. حالا من نمی‌دانم که در این باره در خبرگان بحث شده یا نه.

**آقای صافی گلپایگانی:** خبرگان [دیگر] نیست. شما از این قانون اساسی هرچه می‌فهمید، بفرمایید.

**آقای صالحی:** بله، هرچه که از آن فهمیده می‌شود؛ جرم یک چیز است و گناهی که باید برای آن حد اجرا شود، مانند شرب خمر، [چیز دیگر].

گفت‌وگوها در این بخش نامفهوم است، ولی ظاهراً یکی از اعضا مخالفت می‌کند.

**آقای مهدوی کنی:** آقای صالحی دارند تحقیق می‌کنند.

**آقای محسن هادوی:** شما تحقیق نکنید ...

**آقای صافی گلپایگانی:** تحقیق نیست.

**آقای صالحی:** می‌خواهم بگویم که با تلفیق اصل (۳۶) قانون اساسی که می‌گوید: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد» و قسمت اول بند (۴) اصل (۱۵۶) که می‌گوید: «اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام»، چه کسی [می‌تواند] بگوید که حتماً معنای «مدون»، «قانون» است؟ چه مانعی دارد که فرض کنید یک مجموعه‌ای از خبرگان و ذیصلاحانی که حق دارند در امر شرعی اظهارنظر بکنند، مثل جامعه‌ی مدرسین یا مجموعه‌ای از کسانی که صاحب فتوا هستند، نظر بدهند که اینها مقررات مسلم جزایی اسلام هستند. لازم هم نیست که به مجلس برود و تصویب بشود. از کجا معلوم که قانون اساسی اجرای مقررات مدون جزایی اسلام در بند (۴) همین نباشد؟

**آقای محسن هادوی:** طبق بند (۶)!

**آقای صالحی:** کلمه‌ی «مدون» در چنین مصوبه‌ای ...

**آقای صافی گلپایگانی:** آقایانی که با کفایت مذاکرات موافق هستند، اعلام نظر بفرمایند. آقایانی که ماده‌ی (۱) را با قانون اساسی مغایر می‌دانند ... بنده با توجه به آن ذیلی که در آن نامه نوشتیم، رأی نمی‌دهم.

«ماده ۱- دادرها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی بخشی از دادگستری جمهوری اسلامی ایران است و زیر نظر شورای عالی قضایی اداره می‌شود و طبق مصوبه مورخ ۵۸/۳/۲۷ شورای انقلاب و این قانون عمل خواهند کرد.»

آقایانی که این را مغایر با قانون اساسی می‌دانند، اعلام نظر بفرمایند.

**آقای محسن هادوی:** پنج رأی آورد؛ پس نمی‌شود، تعارض است. باید رجوع بکنیم [= دوباره رأی بگیریم].

**آقای صافی گلپایگانی:** پس باید صبر کنیم تا دکتر افتخار بیاید.

**آقای محسن هادوی:** آقای جنتی هم می‌آیند.

**آقای صافی گلپایگانی:** آقای جنتی دیروز به من گفت که می‌خواهم به جبهه بروم. گفتم شما که می‌خواهید بروید، [نظرتان را درباره‌ی این مسئله بگویید]. گفت: من همان [چیزی را] که روز اول نوشتیم، قبول دارم.

**آقای محسن هادوی:** پس ماده‌ی یک [مغایر است].

**آقای صافی گلپایگانی:** مغایر است؟

**آقای محسن هادوی:** بله دیگر. آقای جنتی هم گفته [که] من همان را قبول دارم.

**آقای صافی گلپایگانی:** نه، همین را که بنده می گویم؛ نه آن را. عجیب است!

«تبصره - بند (۶) به ماده (۲) مصوب شورای انقلاب به مورخ ۵۸/۳/۲۷ اضافه می شود:

بند ۶- رسیدگی به جرایم مربوط به حدود و قصاص و دیات و مشروبات الکلی و مواد مخدر در صلاحیت دادسراها و دادگاه های انقلاب است.»

آقایانی که [انتقال] این صلاحیت رسیدگی ها را مغایر [با] قانون اساسی می دانند، [اعلام نظر بفرمایند].

**آقای مهدی هادوی:** اگر توضیح می دهید که «در صلاحیت» اش را قبول داریم، اما مقررات ندارند، ما مخالف نیستیم.

**آقای صافی گلپایگانی:** به من چه؟ آنجا نوشته ... . حالا رأی می گیریم.

**آقای مهدوی کنی:** [ماده ی] بالا رأی نیاورد، ماده ی پایین هم رأی نمی آورد.

**آقای صافی گلپایگانی:** آقایانی که این را مغایر با قانون اساسی می دانند، اگر فرمایشی دارند، بفرمایند.

**آقای آراد:** خیلی صحبت کردیم. مغایر با قانون اساسی ... .

**آقای صافی گلپایگانی:** هر کس مغایر با قانون اساسی می داند، اعلام نظر بفرماید.

**آقای آراد:** این ماده ی (۲) را [می گوید].

**آقای محسن هادوی:** ماده ی (۲) چه می گوید؟

**آقای صافی گلپایگانی:** آقایانی که تبصره ی ماده ی (۱) را مغایر با قانون اساسی می دانند، اعلام نظر بفرمایند؛ «تبصره - بند (۶) به ماده (۲) مصوب شورای انقلاب به مورخ ۵۸/۳/۲۷ اضافه می شود:

بند ۶- رسیدگی به جرایم مربوط به حدود و قصاص و دیات و مشروبات الکلی و مواد مخدر در صلاحیت دادسراها و دادگاه های انقلاب است.»

**آقای مهدی هادوی:** بنده مغایر می دانم.

**آقای صافی گلپایگانی:** چهار رأی.

«ماده ۲- در مواردی که کیفر مجرم اعدام و یا نقص عضو باشد، باید کیفرخواست در محضر مجتهدی عادل که دارای شرایط کامل قضا است، عنوان گشته و کیفر به حکم او

صادر می‌شود. تشخیص صلاحیت به عهده شورای عالی قضایی است.» [یعنی] صلاحیت آن فقط با مجتهد است؛ «تشخیص صلاحیت به عهده شورای عالی قضایی است.» آقایانی که این را مغایر می‌دانند، اعلام نظر بفرمایند.

**آقای آراد:** کسی این را مغایر نمی‌داند. [در] اینجا هیچ مطلبی نیست. همان مطلب بند (۱) بود که ...

**آقای صافی گلپایگانی:** «ماده (۳) شورای عالی قضایی موظف است حداکثر تا شش ماه پس از تصویب این طرح قانونی با مراعات اصل (۷۴) قانون اساسی لوایح مورد لزوم دادگاه‌های انقلاب را به مجلس شورای اسلامی برای تصویب ارائه دهد. ماده (۴) کلیه قوانین و مقرراتی که با این قانون مخالف باشد از تاریخ تصویب این طرح قانونی ملغی خواهد بود.»

**آقای آراد:** قبل از اینکه آقایان شورای عالی قضایی تشریف بیاورند و ما را سرافراز بفرمایند، به ماده‌ی (۱) این مصوبه ایراد گرفته بودیم. آقایان آمدند و مشکلات و گرفتاری‌های خودشان را توضیح دادند. حتی آقای ربانی املشی گفت: مگر می‌شود در مملکت دو دادستان کل باشد؟! بنده در مقابل فرمایش ایشان اجازه‌ی صحبت خواستم و گفتم که هیچ اشکالی ندارد. امام فرموده است که دادگاه انقلاب باید باشد و وجودش و ادغامش هم در دادگستری مخالف قانون اساسی نیست. دادستان کل انقلاب هم باشد. اختیاراتش محدود است و تحت نظر دادستان کل و شورای [عالی] قضایی انجام وظیفه می‌کند.

**آقای محسن هادوی:** حتماً باید هرج و مرج بشود تا معلوم بشود؟

**آقای صافی گلپایگانی:** حالا اصل نامه را می‌خوانم که برای ذیل آن رأی بگیریم.

**آقای محسن هادوی:** نه دیگر، رأی نیاورد.

**آقای صافی گلپایگانی:** چه چیزی رأی نیاورد؟

**آقای محسن هادوی:** رأی نیاورد دیگر.

**آقای صانعی:** من بین خود و خدای خودم ناراحت هستم. من آن روز هم به این آقایان و کسانی که روی این مسئله تکیه کردند، از جمله جناب حاج‌آقای رضوانی و آقای صافی و دوستان دیگر مثل آقایان دکتر مهرپور و حاج‌آقای خزعلی که اظهار نظر نکردند و ممتنع شدند، گفتم و امروز هم که دارد تصویب می‌شود، می‌گویم که باید

متوجه باشیم که با رفتن این قانون به بیرون، تمام این مسائل به گردن دادگاه‌های انقلاب خواهد افتاد.

**یکی از اعضا:** ولی ...

**آقای صانعی:** نه، اجازه بدهید، آن «ولی» را جواب می‌دهم. جواب آن «ولی» ساده است؛ به‌خاطر اینکه تا حالا دادگاه‌های انقلاب آن «ولی» را گوش نداده‌اند. به‌علاوه دادگاه‌های انقلاب می‌گویند که نماینده‌های ما را شورای انقلاب تعیین کرده است و بدین ترتیب ما نمی‌توانیم نماینده‌ی جدیدی تعیین کنیم و کل این پرونده‌ها در آنجا می‌ماند و من بین خود و خدای خود نمی‌دانم که چطور خواهد شد. البته من با توجه به فرمایش‌های آقایانی که از جهت شرعی بودن آن اصرار می‌کردند، امروز ممنوع شدم؛ یعنی از این جهت که آقایان گفتند احکام شرع عملی نمی‌شود، چون قانون آن به این زودی‌ها آماده نمی‌شود. از طرفی هم می‌گویند آقای موسوی [اردبیلی] گفته است که ما تا دو سه هفته‌ی دیگر مجازات‌ها را تعیین می‌کنیم. این طوری فردا همه‌ی پرونده‌ها به گردن دادسرا می‌افتد.

**آقای صافی گلپایگانی:** شما مرتباً بر می‌گردید!

**آقای صانعی:** آقا، بر نمی‌گردم ...

**آقای رضوانی:** اما با آن ذیلی که نوشته‌ایم، [بعید است چنین مشکلی پیش بیاید].

**آقای صانعی:** آن ذیلی که نوشته شده است، تذکر است، قانون نیست.

**آقای رضوانی:** اجازه بدهید، اصلاً نمی‌شود آن را آن‌طور درست کرد.

**آقای صانعی:** تذکر که به قانون کاری ندارد.

**آقای صالحی:** آقا، تذکری که بنده عرض کردم، مورد قبول هست یا نیست؟ عرض کردم که

اصلاً قصاص و دیات به‌موجب این قانون قابل اجرا نیست. اینجا فقط مجازات اعدام است ...

**آقای محسن هادوی:** اعدام ...

**آقای رضوانی:** نقص عضو.

**آقای صالحی:** مجازات اعدام، مجازات حبس، مجازات تبعید و مصادره‌ی اموال.

می‌گویم نقص عضو نداریم.

**آقای صانعی:** حدود را شامل می‌شود.

**آقای صالحی:** در لایحه‌ی شورای انقلاب به کسی اجازه نداده‌اند که قطع ید کند. یا کسی

که چشم کسی را ... .

**آقای رضوانی:** اعدام چطور؟

**آقای صالحی:** اعدام هست.

**آقای رضوانی:** خوب، آن هم قصاص است دیگر.

**آقای صالحی:** تمام انواع قصاص [نیست].

**آقای صانعی:** ببینید، می‌گوید «شامل ...»؛ نمی‌گوید فقط اینها است.

**آقای رضوانی:** شما این را اضافه کردید.

**آقای صانعی:** یعنی غیر از اینها هم هست.

**آقای محسن هادوی:** تا حالا که کسی را در دادگاه‌های انقلاب قصاص نکرده‌اند.

**آقای رضوانی:** این تذکر را بنویسید که بفهمند باید آن را تغییر بدهند. معنا ندارد که شورای انقلاب نماینده [تعیین کند].

**آقای صالحی:** آقای صانعی، این عبارت<sup>۱</sup> بالخصوص تصریح دارد به اینکه مجازات‌ها در این چهار نوع منحصر است.

**آقای صانعی:** اگر این باشد که هیچ فایده‌ای ندارد. البته آقای مؤمن<sup>(۱)</sup> گفت که ما به لوايح دیگر کاری نداریم.

**آقای مهدی هادوی:** گفت ما با قانون کاری نداریم؛ شما به دست ما بدهید، ما عمل می‌کنیم.

**آقای صافی گلپایگانی:** اجازه بدهید، می‌نویسیم: «لازم به تذکر است، علاوه بر آنکه شکل دادگاه به صورتی که در قانون شورای انقلاب پیش‌بینی شده است، مخالف موازین شرعی است، از جهت اینکه در حال حاضر شورای انقلاب هم وجود ندارد، قابل اجرا نیست و باید طبق موازین شرعی و قانون اساسی شکل و ترکیب دادگاه تعیین گردد.» دیگر آن قانون اجرا نمی‌شود.

**آقای محسن هادوی:** آقای صافی، با این عبارت مخالف هستیم و می‌خواهم صحبت کنم.

**آقای صالحی:** آقا، بنده می‌گویم از نظر شرعی درست نیست. من می‌گویم از نظر شرعی اینها حق ندارند غیر از اعدام، بقیه‌ی موارد قصاص و دیات را اجرا کنند. من از نظر شرعی هم مخالفم.

۱. آیت‌الله محمد مؤمن تا سال ۱۳۶۲ عضو شورای عالی قضایی و رئیس دادگاه عالی انقلاب بوده است.



**آقای آزاد:** [قبل از آنکه] ایراد شرعی بگیرید، در اطراف قضیه مطالعه کنید. ماده‌ی یک آیین‌نامه‌ی دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب را که درباره‌ی طرز تشکیل دادگاه‌های انقلاب است، ملاحظه بفرمایید. این دادگاه‌های انقلاب از اول انقلاب تا کنون تشکیل شده است.

**آقای صالحی:** باشد.

**آقای آزاد:** چه چیزی باشد آقای [صالحی؟!]. وقتی که می‌فرمایید برخلاف شرع مقدس است، هزاران تالی فاسد پشت سر آن می‌آید. شما یک کمی درباره‌ی مسئله فکر کنید، بعد بگویید. اصلاً اگر ماده‌ی (۲) را قبول می‌کنید که در ماده‌ی اول ...

**آقای صافی کلپایگانی:** خب، فردا ما باید بگوییم که این قانون عدلیه است. پس ما انقلاب کردیم که حکم خدا را اعلام نکنیم؟! از این طرف این‌طور می‌گویید! این‌طور نمی‌شود از قانون اساسی و شرع حفاظت کرد.

**آقای محسن هادوی:** شما آن را حل کنید.

**آقای صافی کلپایگانی:** ما این را می‌نویسیم. آنجا هم که سه نفر بوده‌اند، سه رأی داده‌اند و این شده است.

**آقای محسن هادوی:** ما نایب امام داریم؛ الآن می‌توانیم برویم مسئله را حل کنیم.

**آقای رضوانی:** آقای هادوی، آن زمان که شما در دادگاه‌های انقلاب بودید، این مصوبه‌ی شورای انقلاب در دادگاه‌های انقلاب اجرا می‌شد؟

**آقای مهدی هادوی:** تا من بودم اجرا می‌شد، ولی بعد [از آن] دیگر اجرا نمی‌شد.

**آقای رضوانی:** یعنی همین شورای سه نفری<sup>(۱)</sup> تشکیل می‌شد؟

**آقای مهدی هادوی:** بله.

**آقای رضوانی:** نماینده‌ی شورای انقلاب چه کسی بود؟

**آقای مهدی هادوی:** الآن یادم نیست، ولی شورای انقلاب یکی را معین می‌کرد.

۱. ماده‌ی (۴) آیین‌نامه‌ی دادگاه‌های انقلاب و دادسراهای انقلاب: «دادگاه انقلاب مرکب از سه عضو

اصلی و دو عضو علی‌البدل خواهد بود. اعضای اصلی عبارتند از:

الف- یک قاضی شرع به پیشنهاد شورای انقلاب اسلامی و تصویب امام.

ب- یک قاضی دادگستری به انتخاب قاضی شرع

ج- یک نفر مورد اعتماد مردم و آگاه به مقتضیات انقلاب اسلامی با تعیین شورای انقلاب یا کسی که شورا برای این منظور معین کند.»

**آقای صافی کلپایگانی:** رأی او هم مؤثر بود؟

**آقای مهدی هادوی:** بله، ما از شورای انقلاب می‌خواستیم و آنها برای شهرستان‌ها معین می‌کردند.

**آقای رضوانی:** یک رأی قاضی شرع هم در آن بود؟

**آقای مهدی هادوی:** خب، مسلماً طبق این [مصوبه]، نظر قاضی شرع باید رعایت شود.

**آقای صافی کلپایگانی:** علاوه بر اینکه ایشان می‌فرمایند، در جاهایی که قاضی [= قاضی

شرع] نبوده، حکم صادر نمی‌شده است. مطلب دیگری داریم؟

[آقای آزاد]، اجازه بدهید که جواب شما را به‌طور علمی بدهم. شما می‌فرمایید که وقتی بگوییم [خلاف شرع است]، تمام این اعدام‌ها و مجازات‌هایی که تا حالا بوده خلاف شرع خواهد بود. خلاف شرع نمی‌شود؛ برای اینکه طبق آن قانون، هر جا که اکثریت است، باید حاکم شرع در آن باشد. اشکالی که داریم، این است که اگر حاکم شرع در یک طرف بود و آن دو نفر در طرف دیگر، چرا حکم او اجرا نشود؟ جاهایی که حکم بر قتل واقع شده است، حاکم شرع در بین بوده است. پس آن موارد را نمی‌توانیم بگوییم خلاف شرع است.

**آقای مهدی هادوی:** پس با صراحت این را بنویسید که چون این قانون شامل مواردی می‌شود که حاکم شرع در اقلیت قرار می‌گیرد و ممکن است که حکم شرع اجرا نشود، از این نظر محل اشکال است.

**آقای رضوانی:** به تأخیر می‌افتد، والا ممکن نیست اجرا نشود؛ [تعداد قضات شرع اضافه می‌شود و دوباره رأی می‌دهند].

**آقای صافی کلپایگانی:** نه [مشکل حل نمی‌شود]، چون این قانون شامل مواردی

می‌شود که حاکم شرع رأی داشته باشد و [در مواردی که حاکم شرع در اقلیت قرار می‌گیرد، این مصوبه] مانع از اجرای آن می‌شود.<sup>(۱)</sup>

**آقای مهدی هادوی:** آقای صافی، اشکال دیگری هم که به آن آیین‌نامه می‌شود گرفت،

۱. از نظر آیت‌الله صافی، مصوبه‌ی مجلس مانع نفوذ حکم حاکم شرع می‌شود؛ زیرا وقتی حاکم شرع دربره‌ی موضوعی رأی داشته باشد، اگر در اقلیت قرار بگیرد، حکم او اجرا نمی‌شود و با الحاق دو حاکم شرع دیگر، رأی اکثریت قضات را ملاک قرار می‌دهند؛ و این خلاف موازین شرع است، چون دلیلی برای عدول از رأی حاکم شرع در موردی که او رأی خاصی دارد، وجود ندارد.

این است که باید همه‌ی دادگاه‌ها را به‌جز آنهایی که در مراکز استان است، منحل کنند. اگر تصریح کردیم که اینها را منحل کنید، دیگر دادگاهی باقی نمی‌ماند.

**آقای مهرپور:** یک اشکال دیگر هم دارد؛ اصلاً دادگاه انقلاب معنی ندارد.

**آقای صافی گلپایگانی:** اینکه نمی‌شود. من که مسئول این نیستم.

**آقای مهرپور:** دادگاه انقلاب به پیشنهاد امام تشکیل می‌شود و انحلالش هم باید با تصویب شورای انقلاب و کسب اجازه از امام باشد. الآن اصلاً شورای انقلاب نیست. اینها همه به شورای انقلاب مربوط می‌شود. شورای انقلاب [هم تا] وقتی است که قانون اساسی و دولت [مستقر شود. حالا که قانون اساسی تصویب شده و دولت داریم]، اصلاً می‌گوییم که به دادگاه انقلاب [نیازی نیست].

**آقای صالحی:** شما تا به حال کجا بودید که [حالا دارید] این حرف‌ها را می‌زنید؟! والله گناه است، جهنم دارد!

**آقای مهرپور:** دادستان کل انقلاب را امام تعیین می‌کند. الآن این [کار] شورای عالی قضایی هم که آقای موسوی تبریزی را به‌عنوان دادستان کل انقلاب تعیین کرده‌اند، اصلاً درست نیست؛ مگر اینکه امام [اجازه داده باشند].

**آقای رضوانی:** امام تعیین کرده است.

**آقای مهرپور:** نه، شورای عالی قضایی تعیین و اعلام کرد. پس نمی‌توانیم بگوییم که حتی دادستان کل انقلاب زیر نظر دادستان کل کشور است.

**آقای رضوانی:** جزء دادگستری است.

**آقای مهرپور:** نمی‌تواند باشد. دادستان کل انقلاب نمی‌تواند زیر نظر دادستان کل کشور باشد. زیر نظر امام است.

**آقای مهدی هادوی:** آقا، اشکالات دیگری [هم] دارد. در عدلیه، قضات را شورای عالی قضایی معین می‌کند.

**آقای صالحی:** اشکال عمده‌اش این است که این شوخی و مزاح است! اینکه «دادگاه‌های انقلاب جزء دادگستری است»، یک مزاح است!

**آقای صانعی:** نه، مزاح نیست.

**آقای صالحی:** چرا، دقیقاً مزاح است. وقتی که هنوز همان وضع قبلی بر دادگاه‌های انقلاب حاکم است و باز هم باید به مصوبه‌ی شورای انقلاب عمل کنند، معنایش این

است که همان دادگاه انقلاب است و چیز جدیدی نیامده است. شرایط انقلابی با شرایط غیرانقلابی چه فرقی می‌کند؟!

**آقای مهرپور:** آقای موسوی اردبیلی هم می‌گفت اصلاً لازم نیست که ما دادگاه انقلاب داشته باشیم. این قوانین [برای] دادگاه انقلاب نیست، همه‌اش دادگستری اسلامی است؛ دیگر دادگاه انقلاب و غیرانقلاب نداریم.

**آقای صافی گلپایگانی:** آقا این را گوش کنید و اگر صلاح می‌دانید، این طور بنویسیم: «لازم به تذکر است که قانون شورای انقلاب [از آنجا که] حکم قاضی شرعی را در صورت مخالفت دو عضو دیگر متوقف می‌سازد، [مغایر شرع است و به‌علاوه] از جهت اینکه شورای انقلاب هم وجود ندارد، قابل اجرا نیست.»

**آقای محسن هادوی:** بنویسیم که مغایر شرع است.

**آقای صافی گلپایگانی:** دارم می‌نویسم.

**آقای محسن هادوی:** «قابل اجرا نیست» یعنی چه؟

**آقای صافی گلپایگانی:** نوشتم که مغایر شرع است.

**آقای محسن هادوی:** من ماده‌ی مذکور را مغایر می‌دانم.

**آقای مهرپور:** آقای صافی، من می‌گویم اگر جواب ندهیم، بهتر نیست؟

**آقای رضوانی:** اگر جواب ندهید، بدتر می‌شود؛ برای اینکه اینها به این روال ادامه می‌دهند.

**آقای صافی گلپایگانی:** بله، من که می‌دانم؛ این آقایان بعد به ما اعتراض می‌کنند.

**آقای مهرپور:** شما می‌توانید بگویید که دادگاه انقلاب غیرقانونی است و نباید باشد.

اگر نمی‌توانید، اجازه بدهید که این تصویب بشود.

**آقای صانعی:** نه، نمی‌توانیم.

**آقای رضوانی:** بله، من الآن آن را غیرقانونی می‌دانم.

**آقای مهرپور:** اگر غیرقانونی می‌دانید، اعلام کنید که نباید باشد. دیگر بدتر از اینکه تا حالا بوده که نمی‌شود.

**آقای صافی گلپایگانی:** آقا، می‌گویم شما آقایانی که مخالف هستید، آیا غیر از این می‌خواهید که این قانون از بین برود [= این مصوبه قانونیت پیدا نکند]؟ وقتی که ما بنویسیم «لازم به تذکر است که قانون شورای انقلاب علاوه بر آن جهتی که حکم قاضی شرعی را با مخالفت دو حکم دیگر متوقف می‌سازد، مغایر با موازین قضای شرعی است و [نیز] از جهت اینکه

لازم الاجرا نمی‌باشد و شکل و ترکیب دادگاه باید طبق موازین شرعی و قانون اساسی تعیین گردد...»، شما باز هم می‌گویید کافی نیست و به حرف ما اعتنایی نشده است؟!

**آقای مهرپور:** حالا خوب است. پس نمی‌نویسیم که مغایر نیست.

**یکی از اعضا:** حاج آقای صافی، این را هم اضافه بکنید که «مقرراتش هم مدون بشود».

**آقای صافی گلپایگانی:** آقا، چنین اصراری نمی‌شود [کرد].

**آقای صافی:** بنده ماده‌ی (۲) را خلاف [قانون اساسی] می‌دانم و نمی‌توانم به آن رأی بدهم.

**آقای صافی گلپایگانی:** کدام ماده را؟

**آقای صافی:** آن بندی که پنج رأی آورد، با رأی من شش رأی می‌شود.

**آقای مهدی هادوی:** ماده‌ی (۲) نبود؛ ماده‌ی اول بود.

**آقای رضوانی:** ماده‌ی (۲) کار دارد. آقا، این بخشی که [نوشته‌اید] «مغایر موازین

اسلامی است»، معلوم نیست رأی بیاورد؛ برای اینکه اولاً قاضی شرع لزوماً مجتهد نیست و ممکن است قاضی منصوب باشد و طبق ضوابط ...

**آقای صافی گلپایگانی:** قاضی منصوب هم باید باشد.

**آقای رضوانی:** نه، توقف حکم قاضی منصوب عیبی ندارد.

**آقای صافی گلپایگانی:** بله، در آنجا [= آیین‌نامه‌ی دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب] چه

نوشته است؟ آقای مهرپور، آنجا [درباره‌ی] شکل دادگاه چه نوشته است؟

**آقای مهرپور:** «دادگاه انقلاب مرکب از سه عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل خواهد

بود. اعضای اصلی عبارتند از:

الف- یک قاضی شرع به پیشنهاد شورای انقلاب اسلامی و تصویب ...»

**آقای صافی گلپایگانی:** قاضی شرع؟! نمی‌شود. ما این را رد می‌کنیم.

**آقای رضوانی:** [بنویسید] اطلاقش [مغایر شرع است].

**آقای صافی گلپایگانی:** شما این طرفش را می‌گیرید. من نمی‌دانم حالا بین این همه

نظرات مختلف، چطور ...

**آقای رضوانی:** اطلاقاً بنویسید «اطلاق».

**آقای مهدی هادوی:** البته من یادم هست که وقتی این [آیین‌نامه] تصویب می‌شد، آن وقت

که قاضی شرع و قاضی دادگستری تفکیک کردند، استدلالشان این بود که قضات شرع ما

درست به کیفیت دادرسی وارد نیستند و اول گفتند این را به‌طور موقت [تصویب و اجرا]

می‌کنیم که اینها یک مقدار به کار وارد بشوند و بعد کم‌کم وقتی که به آن مرحله رسیدیم [که بر کار مسلط شدند]، می‌گوییم آقا، قاضی شرع کارش را بکند. کما اینکه الآن هم همین‌طور است. نظر آنها این بود؛ نه اینکه بخواهند حکم قاضی شرع بماند [متوقف شود] یا محکوم بشود. اینها نبود. در واقع کمک به قاضی شرع و به دادرسی بود.

**آقای صافی گلپایگانی:** بنده با این حرفی هم که ایشان [= آقای رضوانی] می‌گویند که بنویسیم «اطلاقش [مغایر شرع است]»، [مخالفتی ندارم]. نظرتان هرچه هست، بگویید تا من بنویسم.

**آقای رضوانی:** بنویسید اطلاقش [مغایر شرع است].

**آقای محسن هادوی:** آقای صافی، مطابق میل اکثریت بنویسید.

**آقای صافی گلپایگانی:** آقایانی که موافقت بنویسیم «اطلاق این مصوبه از این جهت با موازین شرعی مغایر است و شکل دادگاه‌ها هم باید طبق موازین شرعی معلوم گردد و ...»، اعلام نظر بفرمایند.

**آقای صانعی:** اطلاق نوشته نشود.

**آقای صافی گلپایگانی:** پس بعد نیاید به من بگویید ...

**آقای صانعی:** فقط از جنبه‌ی شرعی آن؟

**آقای مهدی هادوی:** بله، جنبه‌ی شرعی آن.

**آقای صانعی:** نسبت به گذشته هم اظهار نظر نمی‌کند.

**آقایان صافی و رضوانی:** نه.

**آقای رضوانی:** آنهایی که [حکم قاضی شرع] متوقف می‌شود، خلاف شرع است.

**آقای صافی گلپایگانی:** فقط همین؛ و این هم که قابل اجرا نیست. از جهت اینکه شورای عالی ...

**آقای مهدی هادوی:** اصلاً این را اشاره کنید که ممکن است حکم قاضی [= قاضی شرع] متوقف بشود.

**آقای صافی گلپایگانی:** نوشته‌ام. عین عبارت را نوشته‌ام متوقف بشود.

**آقای مهدی هادوی:** بله، همین که اشاره شود به‌خاطر توقف است نه مسئله‌ی [دیگر، منظور را می‌رساند].

**آقای مهرپور:** من معتقدم همان اشکال شرعی دیروز، که این چون ناظر به آن قانون است

و امکان دارد که اطلاقش حکم شرع را متوقف کند، کافی است تا اینکه فعلاً تصویب نشود [و ما هم گیر نیفتیم]. خود اینها هم پی برده‌اند که دیگر آن را به جریان نیندازند. آقای موسوی [اردبیلی] هم می‌گوید ما قوانین را آماده کرده‌ایم و تا یکی دو هفته‌ی دیگر می‌دهیم. فعلاً هم واقعاً دنبال آن هستند. این یک واقعیت است. من تصور می‌کنم از نظر مصلحت دادگاه انقلاب و شورای نگهبان و همه، این‌گونه عمل کردن بهتر است.

**آقای صالحی:** بسم الله الرحمن الرحيم. قاعداً وقتی که دولت به شکل قانونی در جمهوری اسلامی مستقر شد، این چیزهایی که جنبه‌ی انقلابی دارند، باید به مرور حذف شوند؛ وقتی که شورای انقلاب رفت، آنچه هم که از توابع شورای انقلاب بوده و جنبه‌ی انقلابی داشته و به ضرورت زمان و به خاطر نبود سازمان‌های منظم و ساخته و پرداخته‌ی قانون بوده است، بایستی از بین برود. دادگاه‌های انقلاب هم جزئی از اینها هستند. به موجب قانون اساسی، دادگستری مرجع تظلمات است<sup>(۱)</sup> و فرض هم بر این است که ما دیگر نیازی به آن خاصیت و جنبه‌ی انقلابی نداریم. مملکت ما همه چیز را مستقر کرده و [قوای مقننه] و قضائیه و مجریه و همه چیز شکل گرفته است؛ پس دیگر نیازی به دادگاه‌های انقلاب نیست. از طرف دیگر، ما در عمل می‌بینیم که تمام ارگان‌ها حتی مقام رهبری می‌گویند که به این ارگان نیاز داریم. با هر کس که صحبت می‌کنیم، می‌گویند اگر دادگاه انقلاب نباشد، جمهوری اسلامی نخواهد بود و دادگستری توانایی مبارزه با ضدانقلاب را ندارد؛ پس لازم است که دادگاه انقلاب باشد. ما با مجموعه‌ی این افکار با این لایحه مواجه شدیم همه‌ی مسائل را می‌دانستیم و به هر دو نکته توجه داشتیم و در پی یک راه حل می‌گشتیم، تا اینکه مطالبی که آقای صافی مرقوم فرمودند، در ذهن ما آمد که قانون را بر دادگستری حاکم می‌دانیم و روح دادگستری این است و اگر دادگاه‌های انقلاب بخواهد به موجب قانون اساسی در دل دادگستری قرار بگیرد، باید این روح را حاکم بر آن هم ببینیم. گو اینکه خودمان می‌دانستیم و می‌خواستیم راه حل پیدا کنیم. می‌دانستیم که شاید صد در صد امکان‌پذیر نیست که ما آن روح را حاکم کنیم، ولی به هر حال [کوشیدیم] شکل درستی به آن بدهیم. و این شکل درست را از تحریرالوسیله گرفتیم. ما معتقد بودیم که قانون باید

۱. اصل (۱۵۹) قانون اساسی: «مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.»

حکومت کند و چون نمی‌خواستیم قوانین طاغوتی حکومت کنند، گفتیم که تحریرالوسیله را به شکل قانون درمی‌آوریم و بر دادگاه‌های انقلاب حاکم می‌کنیم و در نتیجه، آن چیزی را که از دادگستری می‌خواستیم، در اینجا هم می‌بینیم؛ [اینکه] قانون بر دادگاه‌های انقلاب حاکم است.

بعد مسائلِ شکلی پیش آمد و خود تدوین‌کنندگان قانون هم با همین اساس فکری صحبت از تحریرالوسیله کردند و آن را در متن قانون گذاشتند. گفتند که یک قانون باشد و همه به یک شکل حکم کنند و کسی به رأی خودش عمل نکند؛ نه‌ایه، چون ما [این را] با اصل (۱۶۷)<sup>(۱)</sup> مغایر دانستیم که از همان ابتدا قاضی را به تحریرالوسیله ارجاع دهند و او را به‌عنوان یک مرجع [= قاضی]، موظف کنند که به یک مرجع خاص مراجعه کند، گفتیم که تحریرالوسیله می‌بایست به شکل قانون دربیاید. آن را بردند و به شکل قانون درآوردند و بعد ما گفتیم که متن باید فارسی باشد. رفت ترجمه بشود که ماند. حالا ما با این مسئله مواجه هستیم که یا واقعاً می‌شود دادگاه‌های انقلاب را از ایران حذف کرد، یا نمی‌شود. اگر می‌شود حذف کرد که، روح قانون اساسی می‌گوید که نبایستی باشد. اگر نمی‌شود حذف کرد، باید راه حلی پیدا کنیم و چه بهتر که همان راهی را که تا به حال رفته‌ایم و درست هم بوده، برویم. باز من توجیه قبلی را عرض کنم که علت اینکه ما به آن ماده‌ی اول رأی دادیم، این است که ماده‌ی دوم هم داشت. ما به این علت گفتیم که دادگاه‌های انقلاب در شکم [= زیرمجموعه‌ی] دادگستری شوند و هیچ اشکالی ندارد که در ادامه‌اش گفته بودند تحریرالوسیله حاکم بر دادگاه‌های انقلاب است. تحریرالوسیله را که برداشتند، این اشکال مجدداً خودنمایی کرد و بنابراین، این استدلالی که آقای دکتر مهرپور می‌کنند که ما به همه‌ی اینها یکجا رأی دادیم، [درست نیست]. ما رأی ندادیم. ما با وجود تحریرالوسیله رأی دادیم و گفتیم که اشکالی ندارد. اما اگر تحریرالوسیله را از آن گرفتید، دوباره قابل بحث می‌شود. حالا اگر واقعاً بنا است که این آقایان این مصوبه را اینجا متوقف کنند، هر کاری دلشان می‌خواهد بکنند. ولی ما اشکال اصلی خودمان را

۱. اصل (۱۶۷) قانون اساسی: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.»



بگیریم. ما می‌گوییم شما این را با تحریرالوسیله پیش ما فرستادید و ما هم آن را با تحریرالوسیله قبول کردیم؛ قرار شد آن را ترجمه کنید، که نکردید. هر وقت تحریر را ترجمه کردید، علی عینا و رأسنا. اما تا وقتی که ترجمه نکرده‌اید، ما نمی‌توانیم بپذیریم. استدلالمان همین باشد که تا وقتی که تحریرالوسیله نباشد و قانون بر دادگاه‌های انقلاب حاکم نباشد، با این امر که جزء دادگستری بشود، منافات دارد و این دو با هم تضاد دارند.

**آقای صانعی:** بسم الله الرحمن الرحيم. می‌خواهم مطلبی به‌عنوان پیشنهاد عرض کنم که تقریباً در مقابل فرمایش‌های آقای دکتر مهرپور است. البته عملاً این‌طور شده، ولی من می‌گویم که اصلاً این یک اساس باشد. درست است که ما بحث می‌کنیم و نظر می‌دهیم و نظر هم در صورت جلسه منعکس می‌شود و بنا است که نامه هم نوشته شود؛ اما اگر فرصت هست و می‌توان نوشتن نامه را یکی دو روز عقب انداخت، بهتر است. برای اینکه ما دیده‌ایم که این‌طور نیست که ما همه‌ی مسائل را همان موقع بفهمیم. بعداً ممکن است با مشکلاتی روبه‌رو بشویم. ما اگر دیروز این قانون را رد کرده بودیم، در حالی که آقای موسوی اردبیلی به‌عنوان یک مسئول قانونی شرعی دارد این‌طور حرف می‌زند، چه می‌کردیم؟!

اینکه جناب آقای دکتر مهرپور می‌فرمایند که ما نباید توجیه‌گر افکار دیگران باشیم، [درست است؛] اما برای از بین بردن مشکلات مملکت باید توجیه‌گر باشیم. ما که آدم‌های صد در صد متونی و از نظر فقهی، اخباری<sup>(۱)</sup> و از نظر امروزی، دموکراسی [زده] و قانونی [= قانون‌زده] که نیستیم. ما تابع خدا و شرع و مصالح جامعه هستیم و بنابراین، به‌عقیده‌ی من هیچ اشکال ندارد که ما بعد بیاییم تغییر نظر بدسیم. آسمان که به زمین نمی‌آید، اگر خونی ریخته نشود اگر ما در مقابل این قانون [اساسی] این لایحه [= مصوبه مجلس] را گذرانیم و فردا یک بی‌گناهی پای چوبه‌ی دار رفت، همه‌ی ما اینجا مسئولیم و دیگر نمی‌توانیم بگوییم که ما فقط یک قانونی را گذرانده بودیم و توجیه‌گر افکار

۱. اخباری‌ها گروهی هستند که عقل، رأی و قیاس و اجماع را قبول ندارند و تقلید از میّت را هم جایز می‌شمرند. این فرقه فقط به احادیث عمل می‌کنند و آن را حجت می‌شمارند تا جایی که حتی ظاهر قرآن را هم حجت نمی‌دانند، مگر اینکه به‌وسیله‌ی حدیث معنای آن تفسیر شده باشد. (مقدمه‌ای بر فقه شیعه، سید حسین مدرسی طباطبایی، ص ۱۶)

نبودیم. به نظر من نمی‌شود گفت که این حرف‌ها صد در صد درست است. باید صبر کنیم. این راجع به اصل قصه.

و اما اینکه چه کنیم؛ در اینجا به‌نظم باید همان‌طور رفتار کنیم که آقایان مشی کردند. و این مشی به «اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام»<sup>(۱)</sup> برمی‌گردد. روی همان باید تکیه کنیم. ما اگر آن لایحه را رد کنیم و بگوییم که قوانین شرع باید امضا شود، اما در مقام پاسخ گفتن باید به سراغ اطلاق اصل (۴)<sup>(۲)</sup> [قانون اساسی] رفت، برای جامعه زنده خواهد بود. به ما خواهند گفت قانون اساسی که گفته بود «اجرای حدود و مقررات مدون»؛ چرا شما از بین بردید؟! بله، ما نسبت به «حدود» خیلی ساده می‌توانیم توجیه کنیم. می‌گوییم روح حدود هم روح تدوین است و از هر حقوقدانی بخواهیم، می‌تواند آن را تدوین کند. تدوین هم طریقت دارد؛ برای این است که حدود، مرز داشته باشند. حدود، حد و مرز معینی دارند؛ مثلاً هشتاد ضربه است، نه یکی بیشتر و نه یکی کمتر. بنابراین در حدود می‌توانیم بپذیریم [که قاضی به‌خاطر تدوین نشدن قوانین حدود، طبق منابع فقهی عمل کند]؛ اما درباره‌ی تعزیرات باید خیلی تلاش کنیم تا جامعه را توجیه کنیم که ما به قانون اساسی بی‌اعتنایی نکرده‌ایم. برای مثال در قصاص<sup>۳</sup> مسائل اختلافی و ظریفی هست که به این زودی‌ها نمی‌توان آنها را حل کرد. این است که بنده هم مثل آقایان معتقدم که باید برگردیم و یک یا دو رأی دیگر پیدا کنیم [تا بتوانیم بگوییم] که این مقررات باید مدون‌بناشد و به یک نحوی آن را حل کنیم.

**آقای مهدوی کنی:** اولاً که آقای موسوی [اردبیلی] و [دیگران] خودشان هنوز هم بر اینکه [دادگاه انقلاب] ملحق به دادگستری شود، اصرار دارند، نه اینکه می‌خواهند بگویند ملحق به دادگستری نشود؛ منتها می‌خواهند طرز عبارت و نوشته را تغییر دهند. مثلاً می‌خواهند کلمه‌ی «دادسرا» را بردارند و به جای آن «دادگاه‌ها» را بگذارند [و همچنین عبارت] طبق مصوبه‌ی شورای انقلاب را حذف کنند تا این ایرادی هم که ما [داریم، مرتفع شود. ولی سؤال این است که وقتی این عبارت را حذف می‌کنید، پس]

۱. اصل (۱۵۶) قانون اساسی.

۲. اصل (۴) قانون اساسی: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.»

طبق چه چیزی [باید باشد]؟ آقای مؤمن شب گذشته گفتند که اصلاً نمی‌نویسیم طبق [مصوبه‌ی شورای انقلاب]؛ ما فقط می‌نویسیم که این دادگاه [بخشی از] دادگستری است و در بند (۲) هم فقط [درباره‌ی] صلاحیت [حرف می‌زنیم. گفتند که] شما هم همین را تأیید کنید و چه کار دارید که ما در مقام عمل و در مقام ضرورت چه می‌کنیم. ما الآن باید در مقام ضرورت، قوانینی شرعی به دست قضات بدهیم که مدتی عمل کنند تا قوانین مدون شود. البته آقای ربانی [املشی] گفتند که قوانین جزا تقریباً تدوین شده است. می‌گفتند که ترجمه‌ی تحریرالوسیله هم آماده است. اگر آنها می‌خواهند این کار را بکنند، قاعده‌اش [این است که] همان اشکالات ما [را درباره‌ی عمل کردن این دادگاه‌ها] طبق مصوبه‌ی شورای انقلاب و [نیز آنجا] که به صلاحیت [دادگاه‌ها] می‌پردازد، رفع کنند. ما هم بگوییم که اگر مقصود، طبق همان مصوبه‌ی [شورای انقلاب] است، باز به‌نظر ما اشکالاتی دارد و اگر طبق مصوبه نیست و فقط می‌خواهید صلاحیت آن را مشخص کنید، ما حرفی نداریم. اما [اگر بخواهیم] بگوییم اقتضای انقلاب این است که ...، این اعتراض وارد است [پس چرا] وقتی ما می‌گوییم اقتضای انقلاب این است که جهاد [سازندگی] باشد، شما [اشکال می‌گیرید و] پافشاری می‌کنید [که قانون اساسی گفته است] اعمال قوه‌ی مجریه باید از طریق نخست‌وزیر باشد؟!<sup>(۱)</sup>

**آقای صافی کلپایکانی:** الآن هم همان را می‌گویند.

**آقای صالحی:** اینجا آن حرف را نمی‌زنند.

**آقای مهدوی کنی:** در اینجا ضرورت‌های انقلاب اقتضا می‌کند که تمام این نهادها بدون محدودیت‌هایی که الآن دارند درست می‌کنند، باشند. یعنی نهضت سوادآموزی، سپاه، جهاد، کمیته و جاهای دیگر باید نظم داشته باشند، اما نظامی که مطابق بافت خودشان باشد؛ نه اینکه بیابند در درون دولت و با ضوابط دست‌وپاگیر معطل شوند. ما [البته مثلاً] در اینجا [= کمیته‌ی انقلاب] خودمان آیین‌نامه داریم. آیین‌نامه‌ی داخلی نوشته‌ایم تا طبق آن عمل شود؛ نه طبق آیین‌نامه‌ای که دولت برای ما بنویسد که بر اساس آن اگر بخواهیم یک نفر را در کمیته استخدام کنیم، باید از هزار پیچ‌وخم بگذریم. ما این آقا را استخدام می‌کنیم و ممکن است که سر ماه بخواهد برود یا ما

۱. اصل (۶۰) قانون اساسی: «اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و وزرا است.»

دیگر او را نخواهیم؛ به او می‌گوییم: آقا، برو ما [دیگر به شما] نیاز نداریم. اما اگر بخواهیم طبق ضوابط استخدام عمل کنیم، نه می‌توانیم او را به این زودی استخدام کنیم و نه می‌توانیم بیرونش کنیم. [از طرفی هم] ضرورت انقلاب این است که اینها باشند. بعد شما می‌فرمایید که قاعده‌اش این است که ... ما می‌گوییم تا زمانی که ضرورت اقتضا می‌کند که کمیته باشد، [بگذارید] باشد. روزی که شهربانی، شهربانی انقلابی شد، کمیته خودبه‌خود از بین می‌رود. پس اصلاً نباید این حرف را زد که اعمال قوهی مجریه باید از طریق دولت باشد. بله، ما در صدد این هستیم که کم‌کم شهربانی را درست کنیم، تا آنجا که دیگر شهربانی انقلابی بشود و بعد دیگر نیازی به کمیته نباشد. در پی آن هستیم که - فرض بفرمایید - وزارت کشاورزی را به‌حدی اصلاح کنیم که دیگر در قسمت کشاورزی نیازی به جهاد نباشد و خود وزارت کشاورزی کار کند. وزارت مسکن و راه و ترابری هم همین‌طور.

این استدلالی که شما می‌فرمایید، تمام آنها می‌آید شامل همه‌ی اینها می‌شود. استدلال خوبی است و اگر درست هم باشد، من هم قبول دارم؛ اما ممکن است که ...

**آقای صافی گلپایگانی:** من این نظر را دو روز قبل هم عرض کردم که اینکه می‌گویید اینها خودشان می‌خواهند، [واقعیت این است که] اینها هم می‌گویند که اصلاً این طرح در زمان بنی‌صدر و در رابطه با آن مسائل مطرح شد. ولی مسئله‌ی ما این است که این دادگاه‌های انقلاب را که می‌خواهیم، با تحریرالوسیله ضمیمه‌ی دادگستری کنیم، با آن ضوابطی که باید بر دادگستری حاکم بشود و حکومت داشته باشد یا بدون آن، اگر [قرار است] با ضوابط دادگستری کار کنند، پس دادگاه‌های انقلاب یعنی چه؟ و اگر قرار نیست با آن ضوابط کار کنند، پس [زیرمجموعه‌ی] دادگستری نمی‌شوند. دادگستری [برای] خودش تشکیلاتی است [و ضوابطی دارد] و اگر می‌خواهید ...

**آقای صانعی:** آقای صافی، این جمله را هم در ضمن فرمایش خودتان معنا کنید و دفعه‌ی بعد دخیل کنید: «تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها نیز به‌حکم قانون است» یعنی چه؟<sup>(۱)</sup>

**آقای صافی گلپایگانی:** این همین است که هر دادگاهی که بخواهیم در مملکت تشکیل دهیم، باید به‌موجب قانون باشد. اگر بخواهیم دادگستری را تشکیل بدهیم و

۱. اصل (۱۵۹) قانون اساسی: «مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به‌حکم قانون است.»

تشکیلاتش را بسازیم، همه باید طبق قانون باشد. اما ما نمی‌توانیم دادگاه انقلاب را که از قبل بوده و بر اساس انقلاب تشکیل شده است، بدون تشکیل دادگاه‌های صالح از بین ببریم. آنهایی هم که دادگاه انقلاب را تشکیل داده‌اند، حرفشان این بوده است که عدلیه صالح نیست؛ پس این دادگاه انقلاب هست، تا وقتی که شما عدلیه‌ی صالح را تحویل دهید. [عدلیه‌ی] صالح که تحویل داده شد، دادگاه انقلاب [خودبه‌خود] از بین می‌رود. من این را [بر اساس] فلسفه‌ی قانون و خود قانون می‌گویم. [آیا می‌توان گفت که] روز بعد از تصویب قانون اساسی، دادگاه‌های انقلاب قانونی نبود؟ [مسلم است که قانونی] بود. دادگاه‌های انقلاب سر جای خودش است. قانون اساسی می‌گوید که باید مملکت را این‌طور اداره کنیم. اینکه بنده عرض می‌کنم که بیاید جهاد سازندگی یا غیره و ذلک را بر این اساس [نظم بدهید، معنایش این نیست] که جهاد سازندگی را به وزارت دارایی ببرید، تا شما هم بگویید وزارت دارایی بد است. من می‌گویم مثلاً جهاد سازندگی را با همین رئیس [فعلی] آن تبدیل به وزارت کنید.

**آقای مهدوی‌کنی:** ما همین دادگاه انقلاب را [با ضوابط خودش به دادگستری ملحق می‌کنیم].

**آقای صافی گلپایگانی:** نه، آن [کار] با دادگستری و اصول قوه‌ی قضائیه مغایر است.

**آقای مهرپور:** [آقای صافی]، این ضوابطی که شما می‌فرمایید، الزاماً نباید همه یک‌جور باشد. مثلاً شما الآن دادگاه مدنی خاص دارید که جزء دادگستری است.

**آقای صافی گلپایگانی:** ضوابط کلی هم دارد.

**آقای مهرپور:** خیلی از ضوابطی که در دادگستری رعایت می‌شود، در آنجا رعایت نمی‌شود. در خود قانون هم آمده که لازم نیست این ضوابط رعایت شود. الآن در هر دادگستری اگر [وکیل] وکیل دادگستری نباشد، ولو وکالت‌نامه‌ی رسمی هم داشته باشد، از او نمی‌پذیرند. اما در دادگاه مدنی خاص، یک فرد عادی از طرف دعوا وکالت می‌گیرد و دعوا را دنبال می‌کند.

**آقای صافی گلپایگانی:** این هم غلط است.

**آقای مهرپور:** قانون [حاکم بر آنجا می‌گوید] که تشریفات دادرسی در اینجا رعایت نمی‌شود؛ [در حالی که] جزء دادگستری هم محسوب می‌شود. دادگاه انقلاب هم ...

**آقای صافی گلپایگانی:** دادگاه انقلاب را با حفظ مُسَمَّا<sup>(۱)</sup> می‌گویید یا بی حفظ مسمّا؟

۱. گوینده می‌خواهد بگوید که اگر منظور آن این است که دادگاه انقلاب، با حفظ ماهیت و محتوای خود و آن چیزی که دادگاه انقلاب را به‌خاطر آن دادگاه انقلاب نامیده‌اند (یعنی با حفظ مسمّا)، به

**آقای مهدی هادوی:** بسم الله الرحمن الرحيم. سازمان قضایی مثل یک ساختمان است؛ ساختمانی که همه چیزش [متناسب] با خودش است. اینکه در کنار این ساختمان یک دهه درست کنیم، با این ساختمان متناسب نیست. الآن وضع قوانین دادگستری این گونه شده است؛ هر کسی دارد در یک گوشه‌ای چیزی درست می‌کند. پایه‌ی سازمان قضایی را قوه‌ی قضائیه باید بریزد؛ والا اگر قرار باشد هر کسی طرحی بدهد، دیگر قوه‌ی قضائیه نخواهیم داشت.

در این مورد آنچه شما مرقوم فرمودید، خوب است؛ اما باید صورتش را هم درست کنیم. [به نظر] من آن اشکالات را باید ذکر کنیم و در آخر هم این مطالب را بگوییم تا متوجه باشند که قوه‌ی قضائیه را اصلاً باید قوه‌ی قضائیه ایجاد کند؛ نه اینکه چند نفر بنشینند و طرحی بدهند. به نظر من راه این است که قوه‌ی قضائیه دادگاه‌های ثابت را مشخص کند و اعلام کند که به تدریج که [این دادگاه‌ها] تشکیل می‌شوند، دادگاه‌های انقلاب منحل می‌شوند. چون یکدفعه هم نمی‌شود این کار را کرد. در هر محلی که این دادگاه‌ها تشکیل شد، در آنجا دادگاه انقلاب منحل شود و وظایفش را این دادگاه‌های جدید انجام دهند. این دادگاه‌ها وظیفه‌ی دادگاه انقلاب را انجام می‌دهند، ولی تحت ضوابط و قواعدی؛ و به [این ترتیب] به نظر من این اشکالات هم رفع می‌شود. اما دادن صلاحیت دادگاه‌های ثابت به دادگاه‌ها [ی انقلاب] برخلاف اصل است. وقتی می‌گوییم خود این دادگاه‌ها مربوط به انقلاب است، [چرا باید] صلاحیت دادگاه‌های ثابت دادگستری را به آنها بدهیم؟! این [کار]، تشکیل دادگاه‌های دادگستری را نفی می‌کند. قوه‌ی قضائیه گیر می‌کند و نمی‌تواند دادگاه‌های خودش را تشکیل بدهد.

**آقای محسن هادوی:** بسم الله الرحمن الرحيم. تا زمانی که ضدانقلاب در یک مملکت وجود دارد، دادگاه‌های انقلاب هم باید وجود داشته باشد و فقط با ضدانقلاب مبارزه کند. معنی ندارد که دادگاه انقلاب به غیر ضدانقلاب بپردازد. مادام که ضدانقلاب در یک مملکت انقلابی که تازه انقلاب کرده است، وجود دارد و فعالیتش زیاد است و



دادگستری ملحق شود، دیگر زیرمجموعه‌ی دادگستری بودنش معنایی ندارد. و اگر منظور آن این است که بدون حفظ آن چیزی که به خاطرش دادگاه انقلاب را دادگاه انقلاب نامیده‌اند (بی حفظ مسمأ)، به دادگستری ملحق شود، دیگر دادگاه انقلاب نخواهد بود.

به گونه‌ای هم هست که با دادگاه‌های عادی دادگستری نمی‌توان با او مبارزه کرد - و از اول انقلاب تا حالا [همین گونه بوده است به] دادگاه انقلاب هم نیاز داریم. هنوز هم ضرورت [این دادگاه‌ها] احساس می‌شود و باید باشد تا ریشه‌ی ضدانقلاب کنده شود. بنابراین دادگاه انقلاب برای ضدانقلاب است و ریشه‌ی ضدانقلاب که کنده شد، می‌توانیم [دادگاه انقلاب] را منحل کنیم. اینکه ما دادگاه‌های انقلاب را وادار کنیم که به جرایم عادی عمومی رسیدگی کند، کاملاً برخلاف قانون اساسی است. به علاوه ما اگر بخواهیم مصلحت‌سنجی بکنیم، هر کاری که بخواهیم بکنیم، بیشتر از هر چیز باید این قانون اساسی را نگه داریم؛ برای اینکه الآن تمام تشکیلات در این مملکت دارد می‌چرخد و این مملکت بر پایه‌ی این قانون اساسی بر پا شده. یعنی اگر این قانون اساسی لغو بشود [= تضعیف شود]، تمام مملکت از هم می‌پاشد. [قانون اساسی]، استخوان‌بندی [این نظام] است؛ اسکلت آن است. پس ما در درجه‌ی اول باید برای بقای این نظام، قانون اساسی را حفظ کنیم. اگر از هر گوشه‌ای بیایید این قانون اساسی را لغو کنید، ولو اینکه خیال کنیم به نفع مملکت است، صد در صد به ضرر مملکت است و برخلاف میل رهبر هم هست. این فکر همیشگی است و ما به سهم خودمان به عنوان نگهبان این [قانون اساسی]، باید هر روز این فکر در سر ما بیاید که وقتی می‌نشینیم و اظهار نظر می‌کنیم، حواسمان جمع باشد که داریم چکار می‌کنیم. طوری نباشد که مثلاً خود مجلس از شورای نگهبان ناراضی بشود. مجلسی که اگر شورای نگهبان نباشد خودش هم نیست،<sup>(۱)</sup> این حالت نباید در او به وجود بیاید که یک روزی فکر کند که شورای نگهبان یعنی چه. نمی‌داند که اگر این برود خودش هم پشت سرش رفته! بنابراین، ما باید قانون اساسی را رعایت کنیم و قانون اساسی در مورد قوه‌ی قضائیه اصول واضح و روشنی دارد که با چکش زدن من و دیگران نمی‌توان از بین برد. یکی از آنها اصل (۱۵۷) قانون اساسی است که می‌گوید: «تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی» جزء وظایف قوه‌ی قضائیه است؛<sup>(۲)</sup> ما از روز اول نباید

۱. اصل (۹۳) قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد، مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان»

۲. اصل (۱۵۷) قانون اساسی (مصوب سال ۱۳۵۸): «به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه شورایی به نام شورای عالی قضایی تشکیل می‌گردد که بالاترین مقام قوه قضائیه است و وظایف آن به شرح زیر می‌باشد:

اجازه دهیم که [نمایندگان] با [ارائه‌ی] طرح، قوانین مربوط به قوه‌ی قضائیه را تهیه کنند. [البته] در لویحی که [در این باره به مجلس] می‌رود، می‌تواند با حضور نماینده‌ی قوه‌ی قضائیه پیشنهاد دهند و کم و زیاد کنند؛ ولی [آیا] اصلاً می‌تواند در رابطه با قوه‌ی قضائیه طرحی بدهند؟ این خودش یک نوع مداخله در کار قوه‌ی قضائیه است. قوه‌ی قضائیه‌ای که استقلال دارد، لایحه‌اش را هم خودش [باید] تهیه کند. ما داریم طوری عمل می‌کنیم که این قوه‌ی قضائیه ابزار دست قوه‌ی مقننه می‌شود. در قانون مالک و مستأجر<sup>(۱)</sup> هم می‌خواستند به اصطلاح جلوی تخلیه‌ها را بگیرند و ما نگذاشتیم. بود [که جلوی آن را گرفتیم؛] حالا با این طرح‌هایی که هر روز می‌آورند، مداخله بیشتر شده است. در هر حال طرح‌ها و لویح قضایی باید به وسیله‌ی خود قوه‌ی قضائیه [تهیه] شود که بداند قوه‌ای که می‌خواهد تشکیل دهد و اداره کند، چگونه باید باشد.

ما در این مصوبه ایرادات خیلی روشنی مربوط به قانون اساسی داشتیم و آنها را برخلاف بعضی از اصول قانون اساسی می‌دانستیم. من معتقدم که همان جواب‌ها را [دوباره] بدهیم. این مطالبی که جناب آقای صافی نوشته‌اند، ما را گیر می‌اندازد. در هر جمله‌ای می‌آیند هزار ایراد از ما می‌گیرند که ما اصلاً نتوانیم جواب بدهیم. ما [بہتر است] ایراد قانونی خودمان را بگیریم، آن هم طوری که نه به شرع بر بخورد و نه به جای دیگری که بعداً گیر بیفتیم، ما می‌توانیم [کارمان را درست انجام بدهیم].

**آقای صافی کلپایگانی:** آقا، اینها را بنویسید. شما الان نامه‌اش را بنویسید.

**آقای محسن هادوی:** چشم، الان بسم الله الرحمن الرحیم می‌گویم و می‌نویسم.

**آقای آراد:** بسم الله الرحمن الرحیم. قبل از اینکه قانون اساسی تصویب شود،

→

۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم. ۲- تهیه لویح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی. ۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.»

۱. منظور «لایحه توقف اجرای احکام و دستورهای اجرایی دادگاه‌های صالحه و مراجع ثبتی در مورد اسناد اجاره محل‌های مسکونی مشمول قانون روابط موجر و مستأجر و قانون مدنی برای مدت ۶ ماه» است که اجرای احکام تخلیه را منوط به اجرای مراحل کرده بود. شورای نگهبان در نامه‌ی شماره‌ی ۳۹۶۵ مورخ ۱۳۶۰/۸/۲۶ این لایحه را «از لحاظ اینکه به وسیله شورای عالی قضایی تهیه نشده و از لحاظ اینکه منافعی با استقلال قوه قضائیه است»، مغایر اصول (۱۵۶) و (۱۵۷) قانون اساسی شناخت.



دادگاه‌های انقلاب تشکیل شده بود و همه می‌دانیم که این دادگاه‌های انقلاب با قوانین مدون جزایی تماس نداشتند؛ همان‌جا حکم صادر می‌کردند و اجرا می‌شد. اینکه دادگاه انقلاب باید باشد [یا نه، تشخیصش] در صلاحیت مقام رهبری است. ولی مسلّم این است که در اوایل انقلاب دادگاه‌های انقلاب به‌امام تشکیل شد و آن زمان هم [این دادگاه‌ها] با قوانین مدون جزایی سر و کاری نداشتند؛ طبق مصوبه‌ی شورای انقلاب رسیدگی می‌کردند و حکم می‌دادند. اما الآن ما با یک قانون [= مصوبه] مواجه هستیم که بعد از تصویب قانون اساسی تصویب شده و به یک ارگان رسمی مملکت به نام شورای نگهبان آمده است تا آن را با قانون اساسی تطبیق دهد.

اما درباره‌ی صلاحیت و طرز تشکیل این دادگاه و آیین دادرسی و مقررات مربوط به رسیدگی آن [باید گفت که] اگر با قوانین دادگستری اختلاف دارد، به‌نظر من چیز [مهمی] نیست. من آن روز هم عرض کردم که در خود دادگستری هم چند نوع آیین دادرسی موجود است و صلاحیت دادگاه‌ها مختلف است. خود قانون اساسی هم گفته است که صلاحیت دادگاه را قانون تعیین می‌کند. الآن [مجلس می‌خواهد] قانونی بگذارد که دادگاه انقلاب به فلان دعوا رسیدگی کند. بسیار خوب، رسیدگی کند؛ اما صحبت بر سر این است که الآن ما قانون اساسی داریم، قوه‌ی قضائیه داریم، ارگان‌های رسمی مملکت مستقر هستند. یک وقت دادگاه انقلاب بدون قانون مدون رسیدگی می‌کرد و حکم می‌داد و هنوز هم [همان کار را] می‌کند؛ اما با این قانون که از نظر شورای نگهبان می‌گذرد، دارد یک صورت [دیگری] پیدا می‌کند.

به‌نظر بنده، [دادگاه انقلاب] چه در دادگستری ادغام شود و چه نشود، ادغامش برخلاف قانون نیست و ادغام نشدنش هم بر خلاف قانون نیست. اگر بگوییم ادغام بشود باشد، می‌گوییم که قوه‌ی قضائیه یکی است، نه دو تا؛ [پس دادگاه‌های انقلاب] باید ضمیمه‌ی دادگستری شوند. از یک طرف هم ممکن است به ما بگویند که مملکت [ثبات ندارد و] این دادگاهی است که برای جلوگیری از اعمال ضدانقلابیون تشکیل شده و باید باشد. در مقابل ما چنین استدلالی هست. بنابراین، به‌نظر بنده طرح این مسئله که دادگاه انقلاب را در دادگستری ادغام کنیم یا نه، اصلاً مهم نیست. اما بنده آن روز هم عرض کردم که دادگاه انقلاب زمانی هر [حکمی که] می‌خواست، [صادر] می‌کرد و نحوه‌ی رسیدگی‌اش به دلخواه خودش بود؛ اما الآن چون قانون اساسی

تصویب شده است، [دادگاه انقلاب هم از زمانی که قانونش تصویب می‌شود، باید از] روی قوانین مدون جزایی اسلام - همان‌طور که بعضی از آقایان اشاره کردند - حکم کند. اینکه بگویم آقای موسوی اردبیلی یا آقای دادستان کل مطالبی دارند، من حرفی ندارم و بسته به نظر آقایان است؛ اما به‌نظر من دادگاه انقلاب از این زمانی که قانونش به اینجا آمده [و تأیید شده]، باید از روی قوانین مدون جزایی اسلام حکم دهد. والسلام علیکم و رحمت‌الله.

**آقای صافی کلیپکانی:** بنده نامه‌ی دیگری با توجه به [مطالب اخیر] نوشتم که می‌خواستم ببینم این را قبول می‌کنید یا خیر.

اما این [متن قبلی هم] که بنده نوشته‌ام و گفتید هزار اشکال دارد، حتی یک اشکال هم نمی‌شود به آن وارد کرد. بنده حاضرم در هر مرجع حقوقی که شما بگویید، راجع به آن یک ساعت صحبت کنم.

این‌طور که ایشان می‌گویند، بنویسیم: «تأیید شورای نگهبان از سایر مواد این قانون با توجه به الزام به عمل به تحریرالوسیله بوده است که موجب هماهنگی و توجیه ادغام دادگاه‌های انقلاب در دادگستری می‌شود. اما با حذف ماده‌ی مربوط به این موضوع، چون بافت دادگاه‌های انقلاب و روش کارشان در خارج از چهارچوب ضوابط مشخص است و عملکرد دادگستری در محدوده‌ی ضوابط مشخص و نظام معین است، ادغام دادگاه‌های انقلاب به این صورت در دادگستری با ضوابطی که در قانون اساسی برای دادگستری معین شده، مغایر می‌باشد».

**آقای مهربور:** من یک چیز ساده‌تری نوشته‌ام که اصلاً به بافت و ادغام [کاری ندارد:] «ایراد قبلی شورای نگهبان بر این طرح قانونی این بود که رسیدگی دادگاه‌های انقلاب در مورد جرایم مربوط به صلاحیت آنها طبق قانون مدونی مشخص نشده و هم‌اکنون با حذف ماده‌ی (۲) قبلی و عدم جایگزینی ماده‌ای به جای آن مشخص نیست که دادگاه‌های انقلاب مطابق چه قانون و مقرراتی باید عمل کنند و این امر با اصل (۳۶) قانون اساسی که می‌گوید حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به‌موجب قانون باشد، مغایر است.»

**آقای صانعی:** اشاره کنید که کدام اصل می‌گوید که باید مدون باشد. آن را باید بیاورید.  
**آقای مهربور:** یعنی می‌گفتم که هرج و مرج [پیش نیاید و مقررات] مشخص باشد.

**آقای صانعی:** قانون مدون [را هم باید بنویسد قانون مدون] رسمی. کلمه‌ی «رسمی» اشاره به فارسی بودنش دارد.

**آقای صافی گلپایگانی:** قانون که رسمی بوده.

**یکی از اعضا:** طبق قانون.

**آقای رضوانی:** قانون رسمی، خودش همان معنی [را می‌رساند].

**آقای صافی گلپایگانی:** قانون خودش قانون رسمی است؛ اگر رسمی نباشد که قانون نیست. آقا، چرا اصل مسئله را نمی‌گویید؟ این را که بنده نوشتم؛ «چون بافت دادگاه‌های انقلاب و روش کارشان در خارج از چهارچوب ضوابط مشخص است و ...»

**آقای مهرپور:** من می‌گویم که وارد بافت دادگاه‌های انقلاب و ادغام [نشویم]. به قول آقای دکتر آراد وقتی [کلیت کار درست باشد، ادغام بشود یا نشود، زیاد مهم نیست.

**آقای آراد:** آنها چیزی نیست. آقای مهرپور ...

**آقای محسن هادوی:** نامه‌ی آقای مهرپور بهتر است و من هم مقداری آن را تکمیل می‌کنم.

**آقای صافی گلپایگانی:** من با آن مخالف هستم.

**آقای محسن هادوی:** خیلی خوب، شما مخالف هستید، ولی ما موافق هستیم.

**آقای صافی گلپایگانی:** من هم اگر بر مدون [بودنش اصرار نشود، مخالفت] نمی‌کنم؛ ولی اگر بخواهیم بگوییم که مدون باشد، من خیلی از قوانین را قبول ندارم.

**آقای محسن هادوی:** شما می‌خواهید این را قبول نکنید؟

**آقای مهرپور:** آقای صافی می‌خواهد این را قبول نکند.

**آقای محسن هادوی:** اگر این را قبول نکنید ...

**آقای صافی گلپایگانی:** من اول قرآن را قبول می‌کنم و بعد این را.

**آقای محسن هادوی:** پس شما باید به مردم بگویید که ... . اولاً قرار شده که ما این را مغایر قرآن ندانیم. اگر مغایر قرآن بوده، با توجه به اصل (۴) قانون اساسی، نه ما باید آن را تصویب کرده باشیم و نه رهبر. شما هنوز با اصل (۴) کاری صورت نداده‌اید که ما قبول نکنیم.

**آقای آراد:** جناب آقای صافی، توجه بفرمایید؛ نامه، مخصوصاً نامه‌ی آقای مهرپور، به این معنا [شعار دارد که الآن هم که دادگاه‌های انقلاب دارند حکم صادر می‌کنند، خلاف است. ولی ما نباید کاری به [دادگاه‌های انقلاب و] احکامی که صادر می‌کنند، داشته باشیم. اینها طبق قانون رسیدگی می‌کنند ... .

**آقای محسن هادوی:** عبارتی که شما نوشته‌اید، یک مقدار ایراد دارد. من می‌خواهم این را رد کنم. من برای این گفتم که می‌خواهم آن را تصحیح کنم.

**آقای آراد:** ما جمله را طوری بنویسیم که به اینها کاری نداشته باشد.

**آقای محسن هادوی:** همین است. من این را می‌خواهم درست کنم به طوری که ...

**آقای مهرپور:** این به جایی بر نمی‌خورد؛ چون جلوی [تصویب] قانون را می‌گیرد، اما نمی‌گوید که عمل آنها خلاف شرع است.

**آقای صافی گلپایگانی:** اتفاقاً ایشان دیروز گفت که همین هم خوب است.

**آقای مهرپور:** این مهم است که هیچ‌کدام از این اشکالات به آن وارد نمی‌شود. هم جلوی تصویب قانون را می‌گیرد و هم مشروعیت اینها را فعلاً از بین نمی‌برد؛ برای اینکه اینها مدت‌ها است که طبق این روش سه نفری و ... عمل نمی‌کنند. بنابراین این مصوبه در اینجا می‌ماند و آن [قانون در] جای خودش هست تا [دادگاه‌های انقلاب] کار خودشان را انجام دهند.

**آقای مهدوی کنی:** من یک چیزی نوشته‌ام، ببینید نظر شما را می‌رساند؟ همان محتوای بیان ایشان است، منتها با یک عبارت دیگر. نوشته‌ام: «با توجه به اینکه در ماده‌ی یک این لایحه، ادغام دادرها و دادگاه‌های انقلاب در دادگستری، مبتنی بر رعایت مصوبات شورای انقلاب شده است و در آن مصوبه شرایطی منظور شده که فعلاً غیر قابل اجرا است و پاره‌ای از آنها موجب توقف حکم قضات شرع خواهد شد، و به علاوه، مرجعی برای تحدید حدود و مقررات در آن معین نشده، لذا ادغام دادرها و دادگاه‌های انقلاب در دادگستری مخالف قانون اساسی است و علاوه بر این با حذف ماده‌ی (۲) که مرجع را تحریرالوسیله قرار داده بود، مرجعی معین نشده است و ...»

**آقای صافی گلپایگانی:** این هم خیلی خوب است.

**آقای آراد:** نامه‌ای که جناب آقای کنی مرقوم فرموده‌اند، خوب است؛ اما چاره‌ی این نمی‌شود که دادگاه‌های انقلاب باید روی یک ضوابط قانونی مدون عمل کنند.

**آقای مهدوی کنی:** «... لذا ادغام دادگاه‌ها در دادگستری مخالف قانون اساسی شناخته شد.»

**آقای صافی گلپایگانی:** آقا، دادگاه‌های انقلاب به انحلال از بین نمی‌روند. با تشکیل دادگستری شرعی و قانونی [از بین می‌روند].

**یکی از اعضا:** قانون داریم که انحلال آن با پیشنهاد دولت و تصویب [شورای انقلاب

اسلامی پس از کسب اجازه از امام منحل می‌شود.<sup>(۱)</sup>

**آقای صافی گلپایگانی:** آن هم [مربوط به] قبل از تصویب قانون اساسی است. آقا، اگر موافق هستید، همین را بنویسید. می‌گویید که آنها [= شورای عالی قضایی] خودشان هم با این موافق هستند دیگر.

**آقای مهدوی کنی:** آنها موافق هستند و می‌خواهند یک لایحه‌ی دیگری بیاورند که فقط ادغام مطلق را در آن بگویند و بعد هم بگویند که ما الآن قوانینی را به مجلس می‌بریم و می‌گوییم که طبق آن قوانین عمل شود.

**یکی از اعضا:** قوانین؟

**آقای صافی گلپایگانی:** شرعی.

**آقای رضوانی:** یک مقدار از قوانین قصاص را.

**آقای مهدوی کنی:** قوانین قصاص و غیره را.

**آقای صانعی:** تعزیر هم باید معین بشود.

**آقای صافی گلپایگانی:** از خود امام هم تعزیرات را پرسیده‌ایم.

**یکی از اعضا:** امام چه گفته‌اند؟

**آقای مهرپور:** در مورد جریمه گفته‌اند مقداری اشکال دارد. من با آقای دکتر [؟] صحبت کردم. گفتم که در مجموعه‌ی نظریات هست که حبس را خیلی مشکل می‌گیرند [و] قبول نمی‌کنند. ایشان گفت که من با امام صحبت کردم، ایشان حبس را در مورد تعزیر قبول می‌کنند. امام جریمه را یک مقدار اشکال می‌کنند، ولی حبس را قبول دارند.

**آقای صافی گلپایگانی:** حالا چون به ایشان نسبت می‌دهند و ممکن است نقل قول‌ها اشتباه شود، کاری به آن نداریم. آن را باید در جای خودش بحث کرد. به نظر بنده با اینکه آنها موافق هستند ...

**آقای محسن هادوی:** به آقای مهرپور بدهید تا آن را درست کند.

**آقای صافی گلپایگانی:** این [متن] را بنویسیم، بسیار خوب است. نظر همه را دارد: «با توجه به اینکه در ماده‌ی یک این لایحه، ادغام دادرها و دادگاه‌های انقلاب در

۱. ماده‌ی (۳) آیین‌نامه‌ی دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب: «دادگاه و دادرای انقلاب اسلامی به دستور امام تشکیل شده و به پیشنهاد دولت و تصویب شورای انقلاب اسلامی پس از کسب اجازه از امام منحل می‌شود و در این صورت دادگستری کارهای ناتمام آن دادگاه را ادامه خواهد داد.»

دادگستری مبتنی بر رعایت مصوبات شورای انقلاب شده است و در آن مصوبه شرایطی منظور شده است که فعلاً غیرقابل اجرا است و پاره‌ای از آنها در بعضی موارد موجب توقف حکم قضات شرع خواهد شد و به‌علاوه، تأیید شورای نگهبان بر اساس این بوده است که ترجمه‌ی تحریرالوسیله مرجع باشد و با حذف ماده‌ی (۲) مرجعی برای تحدید حدود و مقررات در آن معین نشده است، فلذا مغایر با قانون اساسی شناخته شد.»

**آقای مهرپور:** این خوب است، اما «علاوه بر اینکه تأیید شورای نگهبان ...» را نمی‌خواهد بیاورید. اینها را نمی‌خواهد بیاورید.

**آقای مهدوی کنی:** آنچه من نوشته بودم، تأیید و غیره نداشت. من نوشته بودم که علاوه بر این، مرجعی تعیین نشده است.

**آقای مهرپور:** بله، اینها را نمی‌خواهد. این تأیید را ما خودمان صحبت می‌کنیم، ولی عبارت «با حذف ماده‌ی (۲)» بد نیست.

**آقای صافی گلپایگانی:** بسیار خوب، «با حذف ماده‌ی (۲)».

**آقای مهرپور:** مغایر قانون اساسی یا مغایر شرع؟

**آقای صافی گلپایگانی:** هر دو؛ به اکثریت آرا مغایر قانون اساسی و موازین شرع شناخته شد. موافق هستید؟

**آقای محسن هادوی:** بسم‌الله الرحمن الرحیم. ریاست محترم مجلس شورای اسلامی طرح قانونی الحاق دادگاه‌های انقلاب به دادگستری جمهوری اسلامی ایران که در جلسه‌ی مورخ ۶۱/۱/۳۱ به تصویب رسیده مورد بررسی شورای نگهبان قرار گرفت. ایراد قبلی شورای نگهبان بر این طرح قانونی این بود که رسیدگی و اعمال مجازات در دادگاه‌های انقلاب نسبت به جرایمی که طبق این طرح در صلاحیت آن دادگاه‌ها قرار داده شده بایستی طبق قانون باشد.

در طرح مصوب ۱۳۶۰/۵/۱۹ مقرر گردیده بود که مجازات مطابق ترجمه تحریرالوسیله امام خمینی اعمال شود که به‌موجب جوابیه ۷۷/۳۳ مورخ ۶۰/۵/۲۶ این شورا به علت عدم ارائه ترجمه مصوب مجلس شورای اسلامی اشکال مغایرت با قانون اساسی باقی بود، ولی در طرح مصوب ۶۱/۱/۳۱ - این طرح آخر - ماده (۲) طرح مزبور حذف گردیده، بنابراین، اشکال مغایرت طرح مصوب به حال خود باقی است و به علت معین نبودن قانون در مورد اعمال مجازات، به اکثریت آرا مغایر قانون اساسی شناخته شد.»

جمله‌اش را می‌شود درست کرد. منظور این است که آن قانونِ اِعمالِ مجازاتی که قرار بود شما با ترجمه‌ی تحریرالوسیله نشان بدهید، آن را نیاوردید که هیچ، اصلاً آن ترجمه را هم از بین بردید؛ بنابراین، برای اعمال مجازات‌ها قانونی معین نکرده‌اید.

**آقای صافی گلپایگانی:** معلوم است دیگر. توضیح نمی‌خواهد.

**آقای محسن هادوی:** قانونی معین نکرده‌اید؛ بنابراین مغایر قانون اساسی است.

**آقای صافی گلپایگانی:** آقایانی که موافق هستند این نامه را [بنویسیم، اعلام کنند].

**آقای صالحی:** این مضمون را ... .

**آقای صافی گلپایگانی:** دوباره نمی‌شود عبارت را [تغییر داد].

**آقای محسن هادوی:** عبارتش را می‌شود درست کرد.

**آقای صافی گلپایگانی:** آقا، همه یک مضمون است.

**آقای محسن هادوی:** نه، دو مضمون است.

**آقای مهدوی کنی:** حالا ایشان یک گوشه‌کنایه‌هایی دارد که گفتنش صحیح نیست.

**آقای صالحی:** یعنی دادگاه‌های انقلاب را نفی می‌کند؟

**آقای محسن هادوی:** نه، نفی نمی‌کند. ما این اِعمالِ مجازات‌های جدید را می‌گوییم. ما با

قدیمی‌ها کار نداریم. ما می‌گوییم که این مجازات‌هایی که در اختیار شما گذاشتیم ...<sup>(۱)</sup>

۱. نظر شماره‌ی ۴۵۸۱ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۵ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۳۱۰ - ق مورخ ۱۳۶۱/۲/۱ طرح قانونی الحاق دادگاه‌های انقلاب به دادگستری جمهوری اسلامی ایران، که پس از برگشت از شورای نگهبان با حذف ماده (۲) مورد تصویب مجلس شورای اسلامی قرار گرفت، در جلسه شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

با توجه به اینکه در ماده یک این طرح قید شده که دادرها و دادگاه‌های انقلاب به‌عنوان بخشی از دادگستری جمهوری اسلامی ایران باید طبق مصوبه مورخ ۵۸/۳/۲۷ شورای انقلاب عمل نمایند و در آن مصوبه شرایطی منظور شده که بعضی از آنها فعلاً غیرقابل اجرا است و پاره‌ای از آنها در برخی موارد موجب توقف حکم قضات شرع خواهد شد و به‌علاوه با حذف ماده (۲) قبلی، مأخذ قانونی مشخص، که مورد استناد دادگاه‌های انقلاب قرار گیرد، تعیین نشده است، مغایر موازین شرع و قانون اساسی شناخته شد.»

متن مصوبات مجلس و نظرات شورا در همه‌ی مراحل بررسی این مصوبه را در سامانه‌ی جامع نظرات

شورای نگهبان ببینید: [nazarat.shora-rc.ir](http://nazarat.shora-rc.ir)

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی

در دیدار با اعضای شورای نگهبان (۱۳۹۲/۸/۸)

«یکی از چیزهایی که شاید بنده قبلاً هم عرض کرده‌ام... انتشاره‌اکرات شوراست. این خیلی چیز خوبی است... فرض  
بفرمایید در قانون مجازات ماده چندم این قانون، ممکن است دو نظر مخالف یا سه نظر مخالف وجود داشته باشد. خیلی خوب  
است که در انتشاره‌اکرات، این نظرات مخالف ذکر شود... یعنی این می‌شود یک مستندی، این یک سابقه‌ای است.  
این سوابق مهم است. اینکه مثلاً شورای نگهبان بتواند در سال هزار و چهارصد و فلان بگوید که این حکم و این بنا مثلاً در نگاه سال  
پیش در شورای نگهبان بحث شد و این حرف‌ها گفته شد و این نظر از بحث‌ها در آمد، خود این یک مستند و یک پشتوانه تقویت  
علمی است برای آرای شورا. بنابراین انتشاره‌اکرات هم به نظر من خیلی خوب است.»



پژوهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمرنی،

کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵

تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir